

### بسم الله الرحمن الرحيم

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر مرحوم است.

چندی پیش شنیدم در مناطقی از کشور عزیزمان، دانش‌آموزان با استعدادی هستند که از داشتن دبیری مجرب و حرفه‌ای محروم‌اند. این عزیزان، نه تنها شرایط شرکت در کلاس‌های کنکور موسسات خصوصی را ندارند، بلکه از خرید و تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی نیز عاجزند. بر آن شدم به نوبه‌ی خود، خدمتی -هر چند کوچک- در حق این عزیزان کرده باشم. در اسرع وقت دست به کار شدم و کانال و پیج آموزشی خود را برای ارائه خدمات به صورت کاملاً رایگان راه‌اندازی کردم و از همان هفته به تألیف جزواتی به صورت موضوعی اقدام نمودم تا در سریع‌ترین زمان ممکن به دست این عزیزان برسد.

قطعا برای تهیه هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام. لذا از دبیران ارجمند خواهشمندم، برای ارج نهادن به کار «تألیف» و تمایز دادن بین «تألیف» و دیگر اقسام پژوهش از جمله: تدوین و تنظیم و کپی! و ...، در صورت استفاده از این جزوه، به منبع آن اشاره کنند.

معرفی و سوابق علمی و آموزشی بنده:

ابوذری احمدی پَرگو؛ دانشجوی سال چهارم دکترای زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)

۱۴ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تألیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراح سوال نرم‌افزار آموزشی «مُنْتَا»، طراح سوال آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

باتوجه به برنامه‌های تألیفی و خدماتی که در ماه‌های آتی قرار است اجرا کنم، پیشنهاد می‌شود که کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام بنده را دنبال کنید تا از جدیدترین فایل‌های تصویری و صوتی، جزوه‌ها، تست‌ها، درس‌نامه‌ها، آزمون‌های آنلاین، اطلاعات مشاوره‌ای، اخبار و اطلاعات کنکور و ... به صورت کاملاً رایگان استفاده کنید. موفقیت و قبولی شما، آرزوی بنده است. این آرزو برای همه شماست.

موفق و سربلند باشید

این تألیف را به همسر عزیزم تقدیم می‌کنم که به جای در کنار او بودن، اکثر اوقات اولین سال ازدواجمان را به تألیف این جزوات پرداختم.

همچنین تشکر و قدردانی می‌کنم از گروه تایپ و صفحه‌آرایی، سرکار خانم معصومه مظاهری مقدم، سرکار خانم زهرا خسروی، سرکار خانم محبوبه خسروی و همچنین تشکر ویژه دارم از سرکار خانم منصوره مردانی سرور که با مدیریت ساختاری این جزوات، زمینه هر چه زیباتر شدن آن‌ها را فراهم آوردند.

**توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما شاعران و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. ساختار این جزوه موضوعی است و به صورت درس به درس نیامده است. با توجه به حجم کم جزوه، امکان جستجوی مبحث مورد نظر آسان است. لذا از افزودن فهرست خودداری کردم تا یک صفحه هم که شده از افزایش حجم جزوه و اصراف بی‌مورد جلوگیری کرده باشم.

**توجه:** پیش از مطالعه یا تکثیر، با رجوع به کانال، مطمئن شوید از جدیدترین نسخه استفاده می‌کنید.

**توجه:** برای پرینت گرفتن و تکثیرکردن جزوات، از نسخه‌های سیاه‌سفید استفاده کنید. نسخه‌ی سیاه‌سفید را در کانال تلگرامی بنده با جست‌وجوی عبارت **#حمادی\_جزوه\_عروض\_نسخه\_یک\_سیاه\_سفید** می‌توانید تهیه کنید.

۱۳۹۸ / ۱۰ / ۳

## عروض

## فصل اول: مقدمه

۱	علم شناخت وزن شعر را عروض می‌گویند.
۲	عاطفه، اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.
۳	شاعر برای انتقال عاطفه از زبان بهره می‌گیرد.
۴	پس از عاطفه، مهم‌ترین و موثرترین عامل «وزن» است.
۵	وزن جزء طبیعی شعر است و جنبه‌ی تزئینی ندارد.
۶	تأثیر وزن بر انتقال پیام یا احساس و عاطفه غیر انکار است.
۷	حتی کتب مقدس نیز از این امتیاز (وزن) بهره برده‌اند.
۸	«وزن» آشکارترین ابزار موسیقی شعر است.
۹	تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت کلام و اثرگذاری آن می‌افزاید. مثلاً: اگر قرار است از مطلبی شاد سخن بگوئیم، بهتر است وزنی تند و ضربی انتخاب کنیم.
۱۰	اگر قرار است اندوهی را بیان کنیم، از وزنی آهسته بهره می‌گیریم.
۱۱	توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.
۱۲	تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
۱۳	وزن: وزن ادراکی است که از احساس یک نظم مشخص حاصل می‌شود. مثل حرکت منظم چرخش لاستیک دوچرخه یا یک آب‌نمای موزیکال و یا حتی پختن نان توسط نانویان.
۱۴	وسیله ادراک وزن، حواس پنجگانه هستند. در شعر این حس، بر عهده‌ی حس شنوایی است.
۱۵	در واقع وزن یک شعر، تکرار منظم پاره‌های آوایی است که گوش، آن نظم را در می‌یابد و لذت می‌برد.
۱۶	«علم عروض» علم شناخت کمیت و کیفیت این پاره‌های آوایی است. مثلاً بتوانیم تشخیص بدهیم هر مصراع بیت زیر، از چهار بار تکرار پاره آوایی «فَعولُن» ساخته شده است.

ز بامی که برخاست، مشکل نشیند  
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

یا تشخیص بدهیم ابیات زیر از کدام پاره‌های آوایی ساخته شده‌اند.

قند دزدی چه قَدَر شیرین است!  
فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن  
گاهی بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند  
مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِیلُ فَاعِلُن  
بیچاره نکن «حاج حسین و پسران» را  
مَفَعولُ مَفَاعِیلُ مَفَاعِیلُ فَعولُن

خواب بودی که لب‌ت بوسیدم  
فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن  
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست  
مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِیلُ فَاعِلُن  
بازار قم از قند لب‌ت رو به کسادی است  
مَفَعولُ مَفَاعِیلُ مَفَاعِیلُ فَعولُن

علم عروض به ما یاد می‌دهد که با شنیدن هر بیتی، وزن آن را تشخیص بدهیم.

برای تشخیص وزن یک شعر دو راه وجود دارد: ۱- شنیداری و سمعی ۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض)

۱- شنیداری و سماعی: حالتی است که با شنیدن شعر، وزن آن را می‌گوئیم.

ما به تو یکباره مقید شدیم  
مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ  
مرغ به دام آمد و ماهی به شست  
مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض): حالتی است که با تقطیع شعر به هجاهای کوچک و دسته‌بندی آن‌ها و انجام چند عمل دیگر، به وزن شعر می‌رسیم. این روش زمان بیشتری نیاز دارد ولی کمتر خطاپذیر است.

در روش استفاده از تقطیع، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

۱- درست خواندن شعر: ما به تو یکباره مقید شدیم

۲- نوشتن به خط عروضی: ما ب ت یک بار مقید شدیم

۳- تقطیع هجایی: ما ب ت یک با ر م قی ید ش دیم

۴- علامت‌گذاری هجایی: - U U - - U U - - U -

۵- تقسیم به ارکان عروضی و نوشتن معادل آن‌ها: مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۶- اعمال اختیارات شاعری

۷- دسته‌بندی اوزان

۸- نام‌گذاری اوزان

**توجه:** مورد ۶ گاه زودتر از مورد ۵ اعمال می‌شود.

به نظر شما کدام روش بهتر و مطمئن‌تر است؟ سماعی یا عروضی؟

هر کدام از این روش‌ها حسن و عیب خاص خود را دارند. مثلاً سماعی، زودتر به وزن می‌رسیم، ولی امکان اشتباه بیشتری وجود دارد و در روش تقطیع هجایی دیرتر به جواب می‌رسیم، ولی جواب دقیق‌تر است.

**توجه:** توصیه می‌شود دانش‌آموز هر دو روش را یاد بگیرد و از هر دو استفاده کند. به این صورت که با روش سماعی

وزن را خیلی سریع تشخیص دهد و سریعاً با روش عروضی، وزن تشخیص‌داده شده را بررسی کند. بنابراین، هم

اوزان را تمرین و تکرار کنید تا در روش سماعی مهارت یابید و هم، درس‌نامه عروض را خوب بخوانید تا یک روش مطمئن را هم، یاد گرفته باشید.

۱- کدام گزینه درست است؟

(۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن و آهنگ است.

(۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است.

(۳) بدون ردیف، کم‌تر می‌توان عواطف را برانگیخت.

(۴) وزن در شعر، جنبه‌ی تزئینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

۲- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) بعد از وزن، عاطفه مهم‌ترین عامل و مؤثرترین عنصر در تأثیر موسیقایی شعر است.

(۲) عاطفه‌ی شاعر، امری حسّی است که ما آن را از احساس نظم در یک شعر درک می‌کنیم.

(۳) وزن در شعر جنبه‌ی تزئینی دارد و علت محبوبیت شعر، برانگیخته‌شدن عواطف آدمی است.

(۴) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

۳- با توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) خروشی برآمد ز ایران سپاه

(۲) سپهی بود جوانی که شکست

(۳) سواری فرستیم نزدیک شاه

(۴) همه برگرفتند با او خروش

## ۴- کدام بیت از نظر آهنگ و موسیقی (وزن) با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) هر که در او گوهر دانایی است  
 (۲) عمر برف است و آفتاب تموز  
 (۳) دفتر افلاک شناسان بسوز  
 (۴) ای همه هستی ز تو پیدا شده
- بر همه کاریش توانایی است  
 اندکی ماند و خواجه غره هنوز  
 دیده خورشیدپرستان بسوز  
 خاک ضعیف از تو توانا شده

## ۵- حال و هوای حاکم بر فضای کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) مطربان گویی در آوازند و مستان در سماع  
 (۲) گفتند باری کم گری تا کم نگردهد مبصری  
 (۳) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن کشان  
 (۴) یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
- شاهدان در حالت و شوریدگان در های و هوی  
 که چشم نابینا شود چون بگذرد از حد بُکاء  
 بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما  
 غم خواره یاران شد تا باد چنین بادا

## ۶- در کدام بیت هماهنگی وزن و محتوا دیده نمی‌شود؟

- (۱) چو آدمی به یکی مار شد برون ز بهشت  
 (۲) رفت دی رو ترش، کشته شد آن عیش کش  
 (۳) که جان خود چه باشد بر عاشقان؟  
 (۴) سر مکش اندر گلیم و رو میپوش
- میان کژدم و ماران تو را امان ز کجا؟  
 عمر تو بادا دراز ای سمن تیزپا  
 جهان خود چه باشد بر اولیا  
 که جهان جسمی است سرگردان، تو هوش

## ۷- کدام بیت حسن شادی را به مخاطب منتقل می‌کند؟

- (۱) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن کشان  
 (۲) وقت سحر که بلبلی قهقهه بر چمن زند  
 (۳) کباب شد دلم از سوز سینه و آتش عشق  
 (۴) اگر شراب نباشد چه غم که وقت صبح
- بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما  
 ساغر چشم من به خون، رنگ دهد شراب را  
 ببرد آبم و خون در دل کباب انداخت  
 دو چشم اشکفشان ساغر شراب من است

## ۸- در کدام بیت، شاعر به کمک وزن و آهنگ کوتاه، ضربی و تند، بار حماسی شعر را غنی تر کرده است؟

- (۱) مرا دلی است که دائم به یاد لعل لب  
 (۲) مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود  
 (۳) کز آن نامور، تیر بیرون کشید  
 (۴) گنج لطفی و چون تویی حیف است
- به گرد ساقی و جام شراب می‌گردد  
 نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود  
 همه تیر تا پُر، پُر از خون کشید  
 خیمه بر این دل خراب زده

## ۹- کدام بیت از دیدگاه آهنگ و موسیقی با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) ای شاد سحرگاهی کان حسرت هر ماهی  
 (۲) در ضمیرت هیچ می‌گردد که پار افتاده‌ای  
 (۳) ز عکس رخ آن یار در این گلشن و گلزار  
 (۴) از توأم ای شهره قمر در من و در خود بنگر
- بر گرد میان من دو دست کمر سازد  
 مرغ روحش گرد من می‌گشت، امسالش چه شد؟  
 به هر سو مه و خورشید و ثریاست خدایا  
 کز اثر خنده تو گلشن خندنده شدم

## ۱۰- کدام گزینه از نظر آهنگ و موسیقی با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) باد صبا می‌وزد از سر زلف نگار  
 (۲) به باغ‌های حقایق برات دوست رسید  
 (۳) پیش آی دمی جانم زین بیش مرجانم  
 (۴) گر چهره بنماید صنم پر شو از او چون آینه
- فعل صبا ظاهر است لیک صبا را که دید؟  
 ز تخته‌بند زمستان شکوفه یافت نجات  
 ای دلبر خندانم آهسته که سرمستم  
 و زلف بگشاید صنم رو شانه شو رو شانه شو

## فصل دوم: انواع واج و هجا

به تجزیه‌ی هجایی واژه‌ی «سَخاوَتَمَند» توجه کنید.

مَند	وَت	خا	سَ	الگوی هجایی
م - ن د	و - ت	خ ا	س -	الگوی واجی

واژه‌ی «سَخاوَتَمَند» از ۴ هجا تشکیل شده است و هر هجا نیز به ترتیب از ۲، ۲، ۳ و ۴ واج ساخته شده‌اند.

**واج:** کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. و به دو نوع **صامت** و **مصوت** تقسیم می‌شود. (واج را واکه نیز می‌گویند)

**صامت:** واج‌های بی‌صدا هستند که در زبان فارسی ۲۳ مورد می‌باشند. (ء - ع)، ب، پ، (ت - ط)، (س - ث - ص)، ج، چ، (ح - ه)، خ، د، (ذ - ز - ض - ظ)، ر، ژ، ش، (غ - ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی.

**مصوت:** واج‌های صدادار هستند که در زبان فارسی ۶ مورد می‌باشند و در ۲ دسته جای می‌گیرند.

مصوت کوتاه: (سَر - دِل - گُل)

مصوت بلند: ا، و، ی (با - بو - بی)

**نکته مهم:** «ا، و، ی» زمانی مصوت بلند محسوب می‌شوند که:

**اولاً؛** واج دوم هجا باشند (مصوت نمی‌تواند اولین واج هجا باشد).

**ثانیاً؛** صدایی کشیده داشته باشند. مثلاً حروف مشخص شده در کلمات زیر، مصوت بلند نیستند و صامت می‌باشند.

اَسب (ا)      مِیل (ی)      وَقْت (و)

**نکات بسیار مهم:**

۱ - حرف، نمود نوشتاری زبان و واج، نمود آوایی زبان است. مثلاً «دِرَخْت» ۴ حرف و ۶ واج است.

۲ - «ی» هم می‌تواند صامت باشد (صید) و هم مصوت (سیب)

۳ - «و» و «چندین حالت دارد.

مصوت کوتاه است. تو ← تْ

مصوت بلند است. سود ← سَوَد

هم مصوت کوتاه است و هم صامت: یوم ← یُوم

صامت است: وقت ← وَقْت

نه صامت است و نه مصوت (واج نیست و خوانده نمی‌شود): خواهر ← خَاَهْر

۴ - «ا» هم می‌تواند صامت باشد (أحد) و هم مصوت (یار)

## انواع هجا

الگوی هجایی زبان فارسی ۶ نوع است که در ۳ دسته کوتاه، بلند، کشیده جای می‌گیرند:

صامت + مصوت کوتاه: تو (تْ)، به (بِ)، نَ	کوتاه (U)	انواع هجا
صامت + مصوت بلند: ما، مو، می	بلند (-)	
صامت + مصوت کوتاه + صامت: سر، دل، گُل		
صامت + مصوت بلند + صامت: کار، بود، سیب		
صامت + مصوت بلند + صامت + صامت: کاشت، دوست، بیست	کشیده (U-)	
صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت: زفت، گُفت، زشت		

**چند نکته مهم در مورد الگوهای هجایی**

- ۱- اولین واج هر هجا **حتماً صامت** است. (هیچ هجایی با مصوّت شروع نمی‌شود، چه مصوّت کوتاه، چه مصوّت بلند)
- ۲- دومین واج هر هجا **حتماً مصوّت** است.
- ۳- در هیچ هجایی **بیش از یک** مصوّت وجود ندارد.
- ۴- **هیچ‌گاه** ۲ مصوّت در کنار هم قرار نمی‌گیرند.
- ۵- مصوّت‌های بلند از نظر آوایی **۲ برابر** صامت‌ها یا مصوّت‌های کوتاه، امتداد دارند.
- ۶- هجای کوتاه و بلند را با مصوّت کوتاه و بلند **اشتباه نگیرید**.

**به الگوی هجایی و واجی واژگان زیر توجه کنید:**

بَت	جا	ن	الگوی هجایی
ب - ت	ج ا	ن -	الگوی واجی
صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت کوتاه	نوع واج‌ها
بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
-	-	U	

**توجه:** مثال فوق نکته‌ی خاصی نداشت و بر مبنای الگوهای هجایی، هجابندی شد. اکثر مواقع همینطور است و نکته خاصی وجود ندارد. ولی گاه باید به نکاتی دقت کرد.

**نکات بسیار مهم: در هر یک از تقطیع‌های هجایی زیر یک نکته‌ی مهم وجود دارد.**

لِم	عَل	مُ	الگوی هجایی
م - ل	ع - ل	م -	الگوی واجی
صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت کوتاه	نوع واج‌ها
بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
-	-	U	

**نکته مثال فوق:** واجی که تشدید داشته باشد، ۲ بار نوشته می‌شود چون ۲ بار تلفّظ می‌شود.

هَر	خا	الگوی هجایی
ه - ر	خ ا	الگوی واجی
صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت بلند	نوع واج‌ها
بلند	بلند	نوع هجا
-	-	

**نکته مثال فوق:** حرفی که تلفّظ نشود، نوشته نمی‌شود.

ن	خا	الگوی هجایی
ن -	خ ا	الگوی واجی
صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت بلند	نوع واج‌ها
بلند	بلند	نوع هجا
U	-	

**نکته مثال فوق:** «ه» غیر ملفوظ (ناخوانا) به صورت مصوّت کوتاه «هـ» نوشته می‌شود.

رَش	آ	الگوی هجایی	آرش
ش - ر	ا - ء	الگوی واجی	
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	نوع واجها	
-	-	نوع هجا	

**نکته مثال فوق:** «آ» از دو واج تشکیل شده است. همزه «ء» و مصوت بلند «ا».

مَد	أَح	الگوی هجایی	احمد
د - م	ح - ء	الگوی واجی	
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها	
-	-	نوع هجا	

**نکته مثال فوق:** «أ، ا، آ» در ابتدای خود یک همزه دارند و «ا» برای زیبایی آمده است. واج آن‌ها به ترتیب «أ:ء، -»، «ا:ء، -» و «أ:ء، -» می‌باشد.

جَاز	اِی	الگوی هجایی	ایجاز
ز - ا - ج	ی - ء	الگوی واجی	
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	نوع واجها	
U -	-	نوع هجا	

**نکته مثال فوق:** در کلماتی مانند «ایجاز، ایران، ایمان، ایراد و...» هجای اول به صورت «ای:ء، ی» می‌باشد.

تَا	اَوْس	الگوی هجایی	اوستا
ا - ت	و - ء	الگوی واجی	
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	نوع واجها	
-	U -	نوع هجا	

**نکته مثال فوق:** در کلماتی مانند «اوه، اوستا، اوره و...» هجای اول به صورت «اوه:ء، و» می‌باشد.

بَاد	شَا	نُو	الگوی هجایی	نوش‌آباد
د - ا - ب	ش - ا	و - ن	الگوی واجی	
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	نوع واجها	
U -	-	-	نوع هجا	

**نکته مثال فوق:** همان‌طور که می‌بینید «ء» از «آ» حذف شده است. هرگاه پیش از همزه، صامت باشد، معمولاً همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن به مصوت بعد آن می‌چسبد.

کل واجها	ن و ش	ء ا ب ا د
بدون حذف همزه	نوش	آ باد
	U -	U -
با حذف همزه	نو	ش باد
	-	U -

**نکته مثال فوق:** حذف همزه، نوع هجای قبل خود را تغییر می‌دهد.



مسائل	الگوی هجایی	م	سا	ئِل
	الگوی واجی	م -	س ا	ء - ل
	نوع واجها	صامت	صامت	مصوت کوتاه صامت
	نوع هجا	U	-	-

**نکته مثال فوق:** همزه یک واج صامت است و واجهای آن به صورت فوق مشخص می شود.

از حالت های مختلف همزه نباید ترسید.

هیئت	هی	تت	مسأله	مَس	ء	ل
	ه - ی	ء - ت		م - س	ء - ل	-

مؤمن	مؤ	مین	امضاء	ام	ضاء
	م - ء	م - ن		م - ء	ض ا ء

**توجه:** در گفتار امروزی، «ء» از انتهای کلماتی مانند «امضاء، انشاء، انحاء...» حذف می شود، اما با توجه به وزن شعر، اگر قرار باشد خوانده شود، به صورت فوق خوانده و واج بندی می شود.

پیمان	الگوی هجایی	پی	مان	م	ا	ن
	الگوی واجی	پ -		ی	ا	ن
	نوع واجها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت بلند	صامت
	نوع هجا	-	-	-	-	-

**نکته مثال فوق:** «ن» (نون ساکن) بعد از مصوت های بلند «ا، و، ی» در وزن حذف می شود و خوانده نمی شود، لذا هجاهای «بان، بون، بین» معادل هجاهای «با، بو، بی» به حساب می آیند.

بیابان	الگوی هجایی	ب	یا	بان	ب	ا	ن
	الگوی واجی	ب -	ی	ا	ب	ا	ن
	نوع واجها	صامت	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت بلند	صامت
	نوع هجا	U	-	-	-	-	-

**نکته مثال فوق:** در واژه های «بیابان، سیاست، بیا، میان...»، «ی» ۲ بار تلفظ می شود، در حالی که تشدید ندارد. در این گونه واژه ها، تلفظ را به صورت «بیابان، سیاست، بیا، میان...» در نظر می گیریم. (در علم زبان شناسی این فرآیند را «فرایند واجی افزایش» می گویند).

بنت الحیدر	الگوی هجایی	بن	تل	حی	در	د	ر
	الگوی واجی	ب -	ت -	ح - ی	د -	د -	ر -
	نوع واجها	صامت	صامت	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	-	-	-	-	-	-

**نکته مثال فوق:** همان طور که گفتیم هجا مربوط به آن چیزی است که خوانده می شود، لذا در واژه ها و ترکیبات عربی (حتی فارسی) به این نکته باید توجه داشته باشید که هجاهایی را که می خوانیم، باید بنویسیم. نه آن چه که می بینیم. به بیت زیر توجه کنید:

شعشعه این خیال، زان رخ چون <u>وَالضَّحَا</u> ست		بوی خوش این نسیم، از شکن زلف اوست	
ح	ض	وَض	الگوی هجایی
ح	ض	و	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت بلند	مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	نوع هجا
-	U	-	

### ترکیبات دیگر:

انالحق: أ نل حَق بیت النور: بی تُن نور وَالله: وُل لاه

ترکیبات دیگر نیز همین طورند. یعنی آن گونه که می‌خوانیم هجاها را می‌نویسیم، نه آن گونه که می‌بینیم.

دل و جان		الگوی هجایی	
د	ل	د	الگوی واجی
د	ل	د	نوع واجها
صامت	صامت	صامت	نوع هجا
مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	
-	U	U	

نکته مثال فوق: «واو» عطف و ربط به صورت مصوت کوتاه، برای واژه قبل خود در می‌آیند.

۱۱- در چند واژه زیر حرف «ی» صامت است؟

«مینا و آسمان - میدان بزرگ - لیلا و مجنون - کریستال درخشان - یار غار - شمع آجین - یگه تاز - دیوان سالار - دو بیت شعر»

(۱) پنج (۲) شش (۳) چهار (۴) هفت

۱۲- تعداد هجاهای کدام مصرع بیشتر است؟

(۱) از کس طمع خام نداریم خوشیم (۲) به آزار فرمان مده بر رهی  
(۳) می‌توانی به لطف دستم گیر (۴) بر ایشان سپهدار کرد آفرین

۱۳- به ترتیب در چند واژه، حرف «و» مصوت کوتاه و حرف «ی»، صامت است؟

«دوگانه - هاون - چهارپایه - موسی - سینا - دوستی - میدان - یادآوری»

(۱) چهار - چهار (۲) سه - سه (۳) چهار - سه (۴) یک - سه

۱۴- عبارت «کشف آب در مریخ» چند واج دارد؟

(۱) پانزده (۲) شانزده (۳) هفده (۴) هجده

۱۵- تعداد واجهای مصرع «آن کس که تو را خواست نیاسود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) بیست و دو (۲) بیست و سه (۳) بیست و چهار (۴) بیست و پنج

۱۶- در مصرع زیر به ترتیب چند هجای کوتاه، چند هجای بلند و چند هجای کشیده وجود دارد؟

«مردم بیگانه را خاطر، نگه دارند خلق»

(۱) شش - هفت - دو (۲) پنج - هفت - یک (۳) چهار - هشت - دو (۴) سه - هفت - یک

۱۷- تعداد هجاهای کوتاه کدام مصرع بیشتر است؟

(۱) بار مذلّت بتوانم کشید (۲) به آزار موری، نیرزد جهان  
(۳) نتوانم که نصیحت شنوم (۴) خداترسی نباشد روز غارت

۱۸- در کدام بیت، تعداد کلماتی که حرف «و» در جایگاه صامت است، بیشتر است؟

(۱) به مطربان صبحی دهیم جامه چاک (۲) معشوق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد  
(۳) چگونه باز کنم بال در هوای وصال (۴) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند  
(۱) بدین نوید که باد سحرگهی آورد (۲) هر کس حکایتی به تصور چرا کنند  
(۳) که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق (۴) سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

### فصل سوم: درست خواندن

گفتیم وزن شعر مربوط به حس شنوایی است، پس **مهم‌ترین نکته** در به دست آوردن وزن شعر، **درست خواندن** شعر است. با وجودی که اشعار با خط چاپی و سلیس و روان فارسی نوشته شده‌اند، باز هم شاهد تپق‌های دانش‌آموزان هستیم. با توجه به روخوانی‌های دانش‌آموزان در کلاس، اشتباهات رایج و محتمل آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام. با رعایت موارد زیر، از این اشتباهات مصون خواهید ماند.

#### اشتباهات رایج در شعر خوانی:

۱- **توجه به نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ»:** یکی از اشتباهات بسیار رایج قرار دادن «-ِ» بعد از واژه‌ای است که نیازی به آن ندارد، یا حذف «-ِ» بعد از واژه‌ای که حتماً باید به صورت ترکیب اضافی خوانده شود. با توجه به رسم‌الخط فارسی، «نقش‌نمای اضافه» معمولاً نمود نوشتاری ندارد و بودن یا نبودن آن را خودمان باید متوجه شویم. مثلاً اگر در بیت زیر، «-ِ» بعد از «دل» را نخوانیم وزن بیت تغییر زیادی خواهد کرد.

با «-ِ»: دل من همی داد گفתי گویایی ← دِ لِ مَن هَه می ...

U U U - U -

بدون «-ِ»: دل من همی داد گفתי گویایی ← دِل مَن هَه می ...

- U - -

همان‌طور که می‌بینید هجاها بسیار متفاوت می‌شود.

**سوال:** در چه مواقعی ممکن است نقش‌نمای اضافه «-ِ یا یِ» وجود داشته باشد؟ آمدن یک اسم، ضمیر جدا یا صفت، بعد از یک اسم، ترکیب اضافی یا وصفی می‌سازد و قاعدتاً ما بین این‌ها، نقش‌نمای اضافه می‌آید.

پدرِ خانه پدرِ من پدرِ خوب

**نکته:** گاه بعد از ضمیر جدا نیز صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.

من بیچاره منِ دانش‌آموز

**توجه:** پس از اولین خوانش، حتماً این نقش‌نماها را در شعر وارد کنید.

۲- **توجه به «واو» عطف و ربط:** «و» در یک درصد موارد به صورت «و» تلفظ می‌شود و در باقی موارد به صورت مصوّت کوتاه برای صامت قبل خود در می‌آید.

فرو ماند در لطف و صنع خدای ← فرو ماند در لطف صنع خدای

تاج سر گلبن و صحرا منم ← تاج سر گلبن صحرا منم

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور ← رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

**توجه:** «و» میان‌وند در کلمات وندی مرکب یا مشتق مرکب نیز همین‌گونه است و به مصوّت کوتاه «ُ» تبدیل می‌شود. جست و جو ← جست جو، رفت و آمد ← رفت آمد، دید و بازدید ← دید بازدید

۳- **توجه به تشدید:** تشدید در شعر ۳ حالت دارد.

الف) کلمه‌ای که تشدید دارد و در شعر مشدّد خوانده می‌شود.

دگر روز باز **اتفـاق** اوفتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) کلمه‌ای که تشدید دارد ولی در شعر مشدّد خوانده نشده است.

اتفـاقاً شاه روزی شد سوار با **خواص** خویش از بهر شکار

«خواص» در اصل تشدید دارد. ولی در صورت مشدّد خواندن، وزن آن خراب می‌شود. لذا در این بیت، مشدّد نیامده است.

- گفت اگر خیر است خیر اندیش تو **شری** جز **شرت** نیاید پیش  
 «شرّ» در اصل تشدید دارد ولی در هر ۲ بار بدون تشدید تلفظ شده است.
- (ج) کلمه‌ای که در اصل تشدید ندارد ولی بنا به ضرورت وزن، مشدّد خوانده شده است.  
 نسوزد جان من یکباره در تاب که **امیدم** زند گه گه بر او آب  
 «امید» در اصل بدون تشدید است ولی بنا به ضرورت شعری مشدّد (امید) آمده است.
- توجه:** بعضی از کلمات مانند «شفقت، دوم و...» تشدید ندارند ولی امروزه، گاهی به اشتباه مشدّد خوانده می‌شوند.  
 توجه داشته باشید که شاعران این واژگان را به صورت درست (یعنی بدون تشدید) تلفظ می‌کرده‌اند. لذا ما نیز باید بدون تشدید بخوانیم. (در واقع با توجه به نوشتار می‌خوانیم. و نوشتار نیز قطعاً موارد فوق را رعایت می‌کند. در واقع، در این موارد بیشتر دقت می‌کنیم تا در صورت اشتباه چشم، آن را تصحیح کنیم.)
- اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار طالع بی‌شفقت بین که در این کار چه کرد  
**نکته مهم:** در کنکور اگر تشدید لازم به خواندن باشد، نوشته خواهد شد. لذا ملاک ما متن کنکور است. متنی که می‌بینیم.
- توجه:** واژگانی چون «حقّ، خطّ، جرّ، مدّ، سرّ و...» در اصل مشدّد هستند. این واژگان اگر به صورت تنها آمده باشند، معمولاً بدون تشدید به کار می‌روند. اما اگر به کلمه‌ای اضافه شده باشند، اکثراً مشدّد خوانده می‌شوند.
- رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم **سرّ** حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم  
 شیعه باید آب‌ها را گل کند **خطّ** سوّم را به خون کامل کند
- توجه:** البته استثناهایی هم وجود دارد که این کلمات ممکن است با وجود اضافه شدن باز هم مشدّد خوانده نشوند.  
 زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در **حقّ** ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست  
 دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست وز آن **خطّ** چون سلسله دامی نفرستاد
- پس همان‌طور که گفتیم ملاک ما متنی است که می‌بینیم.
- ۴- توجه به حذف همزه: گفتیم که کلماتی مانند «آسیاب، آهن، آمد و...» و «اعتماد، احمد، امید، این، ایمان، ایران، اوستا، اورشلیم و...» با «ء» شروع می‌شوند و گفتیم که اگر قبل از این واژه‌ها، صامت بیاید، در ۹۹٪ مواقع این «همزه - ء» حذف می‌شود و صامت قبل همزه به مصوّت بعد از همزه می‌چسبد. مانند:  
 یار آمد ← یا را مد  
 روح انگیز ← رو حن گیز
- نکته مهم:** یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات خوانشی، حذف نکردن این همزه یا حذف نابه‌جای آن است. توجه داشته باشید اگر این همزه در آخر مصراع باشد با توجه به ریتم قبل آن، به حذف یا عدم حذف آن، پی خواهیم برد. و اگر در ابتدای مصراع باشد با توجه به ریتم بعد از آن، بودن یا حذف آن را خواهیم فهمید. بهترین کار این است که مصراع‌های دارای همزه را ۲ بار بخوانیم تا با توجه به ریتم و آهنگ به حذف یا ابقای آن پی ببریم.
- البته همان‌طور که گفته‌ام در ۹۹ درصد مواقع این همزه حذف می‌شود ولی ممکن است طراح به آن یک درصد توجه کند و موردی بیاورد که همزه حذف نشده باشد.
- ۵- توجه به تغییر در ساختار واژه و تلفظ آن: شاعران بنا به ضرورت وزن گاه تغییری در شکل ظاهری کلمات ایجاد می‌کنند. مانند «اوفتاد» به جای «افتاد» و «بدم» به جای «بودم» در شعر زیر:
- چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مه‌رم به جان رسید و به عیوق بر شدم
- ۶- توجه به تغییر تلفظ: بعضی از واژه‌ها دو تلفظ متفاوت دارند؛ مانند: «ترش و ترش». یا مثلاً «بود» در ابیات زیر به صورت «بُود» تلفظ می‌شود. رعایت نکردن این تلفظ، باعث اخلاف در وزن می‌شود.

تَوَانَا بُوَد هَر کِه دَانَا بُوَد  
 بُوَد آيَا کِه دَر مِيکدِه هَا بگشايِنْد؟  
 نِه پِيَل و نِه تَخْت و نِه بَار و بَنِه  
 ز دَانَش دَل پِيَر بَرِنَا بُوَد  
 گِرِه اَز کَار فَرُوبسْتِه مَا بگشايِنْد؟  
 بِه نَانِي تُو سِيَرِي و هِم گَرَسِيَنِه

**توجه:** تفاوت این مورد با مورد ۵ در این است که در این حالت شکل ظاهری کلمه تغییر تلفظ را نشان نمی‌دهد. زیرا تغییر تلفظ در تغییر مصوت‌ها است که معمولاً ظاهری نیستند.

در بیت زیر شاعر واژه «طَرَف» را بنا به ضرورت وزنی «طَرَف» تلفظ کرده است.  
 هَمّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد  
 پسوند «ستان» نیز در بعضی شعرها به صورت «سِتان» می‌آید  
 چه باید مرا جنگ زابلیستان  
 و گر جنگ ایران و کابلیستان؟  
 واژگان «زابلیستان و کابلیستان» بنا به ضرورت «زابلیستان و کابلیستان» تلفظ شده‌اند.

۷- ساکن تلفظ کردن حرف دوم فعل امر: بنا به ضرورت وزنی گاه حرف دوم فعل امر (که حرف اول بن مضارع می‌شود)، به صورت ساکن تلفظ می‌شود. در مثال‌های زیر «بِشِتَاب، بَسِتان، بَفِکن و بَغْسَل» به صورت «بِشِتَاب، بَسِتان، بَفِکن و بَغْسَل» تلفظ شده‌اند.

گفت ای پسر این نه جای بازی است  
 از عمر من آن چه هست بر جای  
 بَفِکن ز پی این اساس تزویر  
 بَشِتَاب که جای چاره‌سازی است  
 بَسِتان و به عمر لیلی افزای  
 بَغْسَل ز هم این نژاد و پیوند  
 ۸- حذف مصوت کوتاه «یا - یا -» پیش از ضمیر متصل:

گر آتش دل نهفته داری  
 شاعر به جای «جانت» دوم، بنا به ضرورت وزنی «جانت» آورده است.  
 ما با توایم و با تو نه ایم، اینت بوالعجب  
 شاعر به جای «اینت» بنا به ضرورت وزنی «اینت» آورده است.  
 سوزد جانت به جانت سوگند  
 چون حلقه‌ایم با تو و چون حلقه بر دریم

۹- حذف همزه و مصوت قبل آن: پیش‌تر گفتم اگر پیش از همزه «ء»، مصوت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوت قبل آن، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از = کز ( ک - ء - ز )      که او = کاو = کو ( ک - ء - و )  
 که آن = کان ( ک - ء - ا - ن )      داده است = دادست ( د - ا - د - ء - س - ت )

۱۰- ویرگول «،»، «یا دو نقطه :» و امثال آن:

مکث قبل از ویرگول یا دو نقطه و ... در وزن عروضی تأثیری ندارد. به ابیات زیر که مطابق نگارش و ویرایش کتاب درسی است، توجه کنید:

گویا طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب  
 کاشوب در تمامی ذرات عالم است  
 ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «مغرب»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ب» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود. گویا طلوع می‌کندز مغربافتاب  
 بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر  
 میان دلیران به کردار شیر  
 ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «گفت»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ت» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود. بدو روی بنمود گفتی دلیر...

۱۱- واژگان دو تلفظی با هر دو تلفظ نتیجه یکسان خواهند داشت. مثلاً واژه «یادگار» با هر دو تلفظ «یادِگار» یا «یادِگار» به صورت «U - U» هجابندی می‌شود.

- ۱۲- تفاوت‌های تلفظی مانند «خِجَل - خِجَل، عِطَر - عِطَر، مَحَبَّت - مُحَبَّت و...»، در وزن تأثیری ندارند.
- ۱۳- توجه به نیم‌فاصله‌ها: اگر فاصله دو واژه کم‌تر از حد معمول و به صورت نیم‌فاصله بود، آن یک واژه است و به هیچ وجه بین آن‌ها نمی‌تواند نقش‌نمای اضافه بیابد. (البته با توجه به سوالات کنکور، زیاد به نیم‌فاصله و حتی علائم نگارشی دلخوش نباشید! زیرا متاسفانه سوالات کنکور در این سال‌ها درست ویرایش نشده بودند!)
- ۱۴- بعضی از واژه‌ها دو نوشتار و خوانش دارند مانند «آینه و آیین»، و بعضی واژگان شبیه یکدیگرند، مانند «مَقَدَّم و مَقَدَّم»، در هر مورد باید دقت کنیم که کدام در شعر به کار رفته است. زیرا هر کدام تقطیع و وزن متفاوتی دارد.
- ۱۵- توجه به یکسانی ظاهری فعل ماضی ساده سوم شخص مفرد (خواند) و مضارع ساده (التزامی بدون ب) سوم شخص مفرد (خواند). با توجه به محتوای شعر و افعال دیگر، باید متوجه شویم، به کدام صورت بخوانیم. زیرا وزن متفاوتی خواهند داشت.

#### ۱۹- در کدام بیت از اختیار حذف همزه استفاده نشده است؟

- (۱) یا رب آن نوگل خندان که سپردی به منش  
 (۲) دردم از یار است و درمان نیز هم  
 (۳) دارد اسارت تو به زینب اشارتی  
 (۴) هیچم اندر نظر نمی‌آید
- می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش  
 دل فدای او شد و جان نیز هم  
 از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه  
 تا تو خورشید روی در نظری

#### ۲۰- در کدام یک از ابیات زیر، حذف همزه صورت نگرفته است؟

- (۱) بخوان ای مرغ اگر داری زبانی  
 (۲) سر دفتر آیات نکسوی  
 (۳) غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل  
 (۴) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- بخند ای صبح اگر داری دهانی  
 شاهنشبه ملک خوب رویی  
 که پرسشی نکنی عندلیب شیدا را  
 ثبت است بر جریده عالم دوام ما

#### ۲۱- در بیت کدام گزینه، همزه حذف نمی‌شود؟

- (۱) گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کویت  
 (۲) دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من  
 (۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند  
 (۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم
- مگر آن وقت که در سایه زنه‌ار تو باشم  
 هاتف غیب ندا داد که آری بکند  
 بی‌وفا یاران که بر بستند بار خویش را  
 ریسمان در پای حاجت نیست دست‌آموز را

#### ۲۲- در کدام گزینه، در کلمه مشخص شده، مصوت کوتاه پیش از ضمیر، حذف شده است؟

- (۱) و گر خویش راضی نباشد ز خویش  
 (۲) به امرش وجود از عدم نقش بست  
 (۳) به درگاه لطف و بزرگیش بر  
 (۴) جهان متفوق بر الهیتش
- چو بیگانگانش برانند ز پیش  
 که داند جز او کردن از نیست، هست  
 بزرگان نهاده بزرگی ز سر  
 فرومانده از کُنه ماهیتش

#### ۲۳- در کدام گزینه قسمت مشخص شده به صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شود؟

- (۱) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو  
 (۲) آن کس است اهل بشارت که اشارت داند  
 (۳) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش  
 (۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است
- دل ز ما گوشه گرفت، ابروی دلدار کجاست  
 نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست  
 کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست  
 ما کجاییم و ملامت‌گر بی‌کار کجاست

۲۴- واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدّد خوانده شود تا وزن عروضی شعر درست باشد؟

- (۱) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
- (۲) طوطی ای را به خیال شکری دل، خوش بود
- (۳) شکر فروش که عمرش دراز باد چرا
- (۴) ای دوست شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد؟

۲۵- در کدام گزینه تلفّظ واژه «بود» متفاوت است؟

- (۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد
- (۲) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
- (۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب
- (۴) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود

### فصل چهارم: درست نوشتن (خط عروضی)

پس از درست خواندن شعر، برای رسیدن به جاهای بیت، ضروری است بیت را همانگونه که خوانده‌ایم، بنویسیم. به این نوشتار که دقیقاً مطابق خوانش است، خط عروضی می‌گویند. در خط عروضی تمام نکاتی را که در فصل دوم (انواع واج و هجا) گفتیم، باید رعایت کنیم. در واقع یک مصراع را همچون یک واژه بزرگ در نظر می‌گیریم و آن نکات را در آن رعایت می‌کنیم. یعنی:

توجّه به تشدید	مُعَلِّم ←	م ←	عَل ←	لِمْ
توجّه به حروف ناخوانا	خَوَاهِر ←	خَاهِر ←	خَا ←	هَر
نوشتن هر چه که به صدا در می‌آید	تَوْسَنِي ←	تَوْسَنِي ←	ت ←	تَو ←
توجّه به «ه» غیر ملفوظ	خان ←	خَان ←	خَا ←	نِ
حذف «ن» بعد از مصوّت بلند	جانان ←	جانان ←	جا ←	نا
توجّه به فرآیند واجی افزایش	بیا ←	بِیَا ←	بِ ←	یا
توجّه به ترکیبات عربی و یا مشابه آن‌ها	انالحق ←	أَنْلَحِق ←	أ ←	نَل حَق
توجّه به «واو» عطف و ربط	دل و جان ←	دِلْ جَا ←	دِ ←	لْ جَا
حذف همزه	اغراق‌آمیز ←	إِغْرَاقِمْز ←	اِغ ←	رَا قَا میز

موارد فوق مهمترین نکاتی است که در خط عروضی باید به آن توجّه کرد، اما موارد دیگری نیز وجود دارد که در فصول قبل به آن اشاره شد.

اکنون به خطّ عروضی ابیات زیر دقّت کنید:

<p>غَلْغَلَه زَن چِهْرَه نِمَا تِيز پَا  <u>غَلْغَلِ زَن چِهْرِ نِمَا تِيز پَا</u></p> <p>حَقِيقَت پَرْدَه بَرْدَارِي ز رُخْسَار  <u>حَقِيقَت پَرْدِ بَرْدَارِي ز رُخْسَار</u></p> <p>خُورْد گَاو نَادَان ز پَهْلَوِي خُوِيش  <u>خُورْد گَاو نَادَانُ ز پَهْلَوِي خُوِيش</u></p> <p>تُو شَرِي جُز شَرْت نِيَايد پِيش  <u>تُ شَرِي جُز شَرْت نِيَايد پِيش</u></p>	<p>گشت یکی چشمه ز سنگی جدا  <u>گشت یکی چشمِ ز سنگی جُدا</u></p> <p>چو در وقت بهار آیی پدیدار  <u>چُ در وقتِ بهار آیی پدیدار</u></p> <p>نباشی بس ایمن به بازوی خویش  <u>نباشی بَس ایمنِ بَ بازوی خُویش</u></p> <p>گفت: اگر خیر است خیراندیش  <u>گُفتگَر خیر اَسْت خیرَندیش</u></p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------



**نکته مهم:** بسیار پیش آمده که دانش‌آموز، شعر را درست خوانده است، ولی در خط عروضی - به دلیل کاهش سرعت - اشتباه نوشته است. برای جلوگیری از این اشتباه حتماً پس از نوشتن شعر به خط عروضی، یک بار دیگر شعر را از روی خط عروضی بخوانید تا مشخص شود، شعر را درست می‌خوانید یا خیر. از مهم‌ترین اشتباهات در این مرحله، حذف نکردن همزه یا عدم توجه به کسره اضافه است. چون وقتی به خط عروضی می‌نویسیم نگاهمان از مصراع، محدود به واژه می‌شود. و یک واژه را به خط عروضی می‌نویسیم و بعد سراغ واژه‌ی دیگر می‌رویم. به اشتباه زیر توجه کنید.

بیا تا برآریم دستی ز دل      که نتوان برآورد فردا ز گل  
بیا تا برآریم دستی ز دل      کِ نتوان برآورد فردا ز گل

در خط عروضی فوق، ظاهراً به نظر می‌رسد شعر را به درستی به خط عروضی نوشته‌ایم. ولی همانطور که در تقطیع زیر می‌بینیم، به حذف همزه توجه نکرده بودیم.

بیا تا برآریم دستی ز دل      کِ نتوان برآورد فردا ز گل

**نکته مهم:** خط عروضی از مهم‌ترین قسمت‌های تشخیص وزن یک بیت است، حتماً بعد از نوشتن آن، یک بار دیگر آن را چک کنید. زیرا ما هجاها را از روی خط عروضی مشخص می‌کنیم. و اگر اشتباهی در این مرحله داشته باشیم، قطعاً تقطیع نهایی ما اشتباه خواهد شد.

#### ۲۶- در بیت کدام گزینه، «همزه» حذف نمی‌شود؟

- (۱) گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کوبیت
- (۲) دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من
- (۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند
- (۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم

#### ۲۷- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست
- (۲) چون سرآمد دولت شب‌های وصل
- (۳) هم تو منزهی ز جا هم همه جای حاضری
- (۴) این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار

#### ۲۸- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن صحیح است؟

- (۱) بضاعت نیاردم آلا امیید
- (۲) ناله‌ای دارم کش از دل گر بر آرم بگسلد
- (۳) سیمرغ ما چه لایق زاغ‌آشیان توست
- (۴) وین کشته رها کن که در او گله چریده‌ست

#### ۲۹- در نوشتن واژه‌های همه گزینه‌ها خط عروضی درست رعایت نشده است به جز .....

- (۱) کَبَادِ، خُورَدَن، مَأْخَذ، مَسْلَمَا: کَبَادِ، خُورَدَن، مَأْخَذ، مُسَلَّمَن
- (۲) مَوْنَت، مِیوَه، به، رُوْیابی، برآورد: مٌ ءَنْث، مِیوِ ب، رُوْیابی، برآورد
- (۳) روح الامین، هوی، مجعد، بوسنی: رُوحُ الامِین، هَوَا، مُجْعَعَد، بوسنی
- (۴) به تندی، سر و تن، مأوا، خوشبو: ب تندی، سرتن، مءوا، خُشبو



## ۳۰- خطّ عروضی کدام یک از ابیات زیر صحیح نیست؟

- (۱) ولیکن ماه دارد قصدِ بالا  
فروشد آفتاب از کوه بابل
- (۲) اگر باران به کوهستان نبارد  
فروشد آفتابز کوه بابل
- (۳) ای نفس خرم باد صبا  
بِ سالی دجل گردد خشک‌رودی
- (۴) ای نفس خرم باد صبا  
از بر یار آمده‌ای مرحبا
- (۵) هر که ببیند چو تو حور ای صنم  
هرک ببیند چُت حوری صنم

## ۳۱- خطّ عروضی بیت زیر در کدام گزینه صحیح است؟

«یار شو ای مونس غم خوارگان / چاره کن ای چاره بیچارگان»

- (۱) یار شُ ای مونسِ غم خوارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
- (۲) یار شُ ای مونسِ غم خارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
- (۳) یار شو ای مونسِ غم خوارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
- (۴) یار شو ای مونسِ غم خارگان / چارِ کنی چارِ بیچارگان

## ۳۲- خطّ عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

- (۱) دریای جمال تو چون موج زند ناگه: دریای جمال ت چُن مُج زَنَد ناگه
- (۲) همی زد چشمک آن نرگس به سوی گل که خندانی: همی زَد چِشْمَک آن نَرِگِس بِ سَوی گُل کِ خَنَدانی
- (۳) رها کن این همه را نام یار و دلبر گو: رَها کُن نی هَم را نامِ یارِ دِلبرگو
- (۴) به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره: بِ گِردِ چِرخِ اسْتارِ چُ مشتاقانا وار

## فصل پنجم: تقطیع هجایی

پیش‌تر با الگوی هجایی واژه‌ها آشنا شدیم و نکاتی را نیز درباره آن آموختیم. در این مرحله از عروض، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، هجاهای آن را مشخص می‌کنیم. و اصطلاحاً آن را تقطیع هجایی می‌کنیم. اکنون هجاهای دو بیت از ابیات فوق را که به خط عروضی نوشتیم، مشخص می‌کنیم:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغلزن چهره‌نما تیز پا  
گشت یکی چشم ز سنگی جدا / غلغل زَن چهرِ نُمّا تیز پا

گشت ی کی چشم م ز سن گی جُ دا

- U - - U U - - U U -

- U - - U U - - U U -

غُل غُ لِ زَن چِه رِ نُ ما تی ز پا

نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

نباشی بسیمین به بازوی خویش / خُرد گاو نادان ز پهلوی خویش

نَ با شی بَ سی مَن بَ با زو ی خیش

- U - - U - - U - - U

- U - - U - - U - - U

خُ رَد گا و نا دا ز پَهِ لو ی خیش

**توجه:** هجایی پایانی مصراع را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، حتی اگر هجای کوتاه یا کشیده باشد. مانند «خیش» در بیت قبل که در اصل هجای کشیده است، ولی چون آخرین هجای مصراع است، معادل هجای بلند در نظر گرفتیم. **توجه:** رسیدن به وزن شعر چندین مرحله دارد، مثلاً خود تقطیع هجایی در هر مصراع ۱۰ تا ۱۶ مرحله دارد. لذا کوچک‌ترین اشتباه در محل قرار دادن هجاها، ممکن است تمام زحمت ما را بر باد بدهد. برای جلوگیری از این اشتباه توصیه می‌شود، در ابتدای کار و روزهای آغازین و قبل از راه افتادن دستتان، **از خانه‌های هجایی استفاده کنید.**

بیا تا برآریم دستی ز دل      که نتوان برآورد فردا ز گل  
بیا تا برآریم دستی ز دل      کِ نتوان برآورد فردا ز گل

بَ	یا	تا	بَ	را	ریم	دَس	تی	ز	دِل
U	-	-	U	-	-	U	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	U	-
کِ	نُت	وَانْ	بَ	را	وَرْد	فَر	دَا	زِ	گِل

**توجه:** نکته‌ی بسیار مهمی که در این روش باید به آن دقت کنیم، این است که هر هجا در یک خانه قرار می‌گیرد، ولی هجای کشیده را طوری می‌نویسیم که حرف آخر آن، در خانه‌ی بعدی جای بگیرد. (زیرا هجای کشیده از نظر امتداد، برابر با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.)

**توجه:** معمولاً هجاهای دو مصراع از نظر کمی (تعداد) و کیفی (نوع) برابرند، مگر این که اختیار شاعری وجود داشته باشد که در فصول بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

**نکته:** برای این که مطمئن شویم همه هجاها را نوشتیم، بهتر است شعر را، یک بار از روی هجاها بخوانیم. با این روش از صحت خط عروضی هم مطمئن می‌شویم.

**نکته مهم:** اصل بر این است که تعداد و نوع هجاهای دو مصراع دقیقاً با هم منطبق باشند، پس در صورت بروز اختلاف، یک بار عملکرد خود را بررسی کنید، ممکن است شما به هر دلیل اعم از حواس‌پرتی و یا هر دلیل دیگر، اشتباه کرده باشید، در این فرصت می‌توانید آن اختلاف ناشی از اشتباه را تصحیح کنید. ولی اگر شما درست عمل کرده باشید، اختلاف به دلیل استفاده از اختیارات شاعری است و باید از آن جهت بررسی کنید. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

دید پر روغن دکان و جامه چرب      بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب  
دید پُر روغن دُکان جامِ چَرَب      بَر سَرَش زَد گَشْت طوطی کَل ز ضرب

دید	پُر	رُو	عَن	دُک	کَا	نُ	جَا	م	چَرَب
U	-	-	-	-	-	U	-	U	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَر	سَ	رَش	زَد	گَش	ت	طو	طی	کَل	زِ

ما در دو ستون اختلاف داریم. ستون ششم و هشتم. گفتیم که ابتدا به تقطیع خودمان شک می‌کنیم و سریع آن را بررسی می‌کنیم. پس از بررسی متوجه می‌شویم که واژه «دکان» را به اشتباه مشدد خواندیم و «دُک» را به اشتباه «دُک» نوشتیم و اختلاف هجایی، ناشی از اشتباه ماست. آن را اصلاح می‌کنیم. در مورد خانه هشتم مطمئن می‌شویم که همه مراحل را درست رفته‌ایم و درست نوشته‌ایم ولی هنوز علامت هجاها متفاوت است. در این مرحله در می‌یابیم که این اختلاف، به دلیل استفاده شاعر از اختیار شاعری است.

پس زمانی اختلاف هجا را به اختیار شاعری مؤکول می‌کنیم که از تقطیع هجایی و مراحل قبل آن مطمئن باشیم.



۳۶- نشانه‌های هجایی کدام گزینه به شکل زیر است؟

« \_ U U \_ U \_ U \_ \_ U U \_ U \_ U »

مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را  
ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها  
که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را  
و گر نه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند

(۱) ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم  
(۲) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید  
(۳) جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب  
(۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست

۳۷- تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

\_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_  
\_ \_ U \_ \_ U \_ \_ U \_ \_ U  
\_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U  
\_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_

(۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند  
(۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی  
(۳) جهان‌ها عهد با من جز چنین بستی  
(۴) پرده برانداخت ز رخ یار نهان گشته ما

۳۸- هجاهای تقطیع شده زیر، علایم هجایی کدام مصراع است؟

« \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U »

(۱) جهان‌ها مرا خیره مهمان چه خواهی؟  
(۲) ندیدم کار دنیا را کناره  
(۳) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
(۴) ای گشته جهان و خوانده دفتر

۳۹- تقطیع هجایی کدام بیت مطابق الگوی هجایی زیر نیست؟

« \_ U \_ U \_ \_ U U \_ U \_ U \_ \_ »

(۱) شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو  
(۲) ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش  
(۳) با خود مرا به خشم میار ای چرخ  
(۴) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش

۴۰- تعداد هجای کشیده کدام بیت نادرست است؟

(۱) گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست  
(۲) اول نظر زدست برفتم عنان عقل  
(۳) خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید  
(۴) خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار

خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است (۴ مورد)  
وان را که عقل رفت چه داند صواب را (۵ مورد)  
دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را (۵ مورد)  
خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من (۴ مورد)

۴۱- تقطیع هجایی هیچ یک از مصراع‌های زیر درست نیست، به جز گزینه .....  
 (۱) سرمست کسی باشد کو خود خبرش نبود

س ر / م س / ا ت / ا ک / ا س / ی / با / ا ش د / ا ک و / ا د / ا خ / ا ب / ا ر ش / ا ن / ا ب و د

(۲) باز این دل دیوانه زنجیر همی بُرد

با / ز ا / این / ا د / ا ل / د ی / ا و / ا ن / ا ز ن / ا ج ی / ا ر / ا ه / د / م ی / ا ب / ا ر د

(۳) کوه‌ها را ز تجلی همه چون طور کنیم

ک و / ه / ها / را / ز / ا ت / ا ج ل / الی / ا ه / د / م / ا چ ن / ا ط و / ا ر / ا ک / ا ن ی م

(۴) چون تیر همی پرد از قوس تنم جانم

چ و ن / ت ی ر / ا ه / د / م ی / ا پ ر / ا ر د / ا ز / ا ق و / س / ا ت / ن م / ا ج ا / ن م

## فصل ششم: تقسیم به ارکان عروضی

در مثال‌های پنج فصل قبل، از چندین نوع وزن متفاوت استفاده کردم. به تعداد هجاها یا نوع چینش هجاهای کوتاه و بلند آن‌ها دقت کردید؟ یک بار دیگر از هر کدام یک بیت را با هجاهای آن می‌آورم. به تعداد و ترکیب آن‌ها دقت کنید.

۱- مَرَجَان دَلَم رَا كِه اَيْن مَرْغ وَحْشِي	ز بامی که برخاست مشکل نشیند
--U --U --U --U	--U --U --U --U
۲- بِيَا تَا بَرَأْرِيْم دَسْتِي ز دَل	که نتوان برآورد فردا ز گل
--U --U --U --U	--U --U --U --U
۳- دِيْد پُر رَوَغْن دَكَاْن وَ جَاْمِه چَرْب	بر سرش زد گشت طوطی گل ز ضرب
--U_ --U_ --U_	--U_ --U_ --U_
۴- چُو دَر وَقْت بَهَار آيِي پَدِيْدَار	حقیقت پرده، برداری ز رخسار
--U --U --U --U	--U --U --U --U
۵- گِشْت يَكِي چِشْمِه ز سَنَگِي جَدَا	غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا
--U_ --UU_ --UU_	--U_ --UU_ --UU_
۶- هَر نَفْس آوَاز عَشَق، مِي رَسَد اَز چِپّ وَ رَاَسْت	ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست
--U_ --UU_// --U_ --UU_	--U_ --UU_// --U_ --UU_
۷- اِي پَادِشِه خُوبَاْن، دَاد اَز غَم تَنْهَائِي	دل بی تو به جان آمد، وقت است که باز آیی
---U U---// ---U U---	---U U---// ---U U---
۸- وَان چِه دَارَم ز گُوسْفَنْد وَ شْتَر	دهمت تا ز مایه گردی پُر
--UU --U-U --U-	--UU --U-U --U-
۹- بَاز اَيْن چِه شُورَش اَسْت كِه دَر خَلَق عَالَم اَسْت	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
--U_ U_ --U U-U_ U_ --	--U_ U_ --U U-U_ U_ --

گفتیم وزن تکرار منظم یک حرکت، رفتار، صدا و... است و «وزن شعر» تکرار صدایی است که گوش با شنیدن آن، نظم خاصی را درک می‌کند. با دقت در هجاهای پنج مثال اول، در می‌یابیم که هر مصراع از تکرار الگوی هجایی خاصی به دست آمده است. با جدا کردن این الگوها از همدیگر، نظم خاصی را در مصراع برقرار می‌کنیم. این فاصله‌ها، **مرز پایه‌های آوایی هستند.**

--U   --U   --U   --U	۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
--U   --U   --U   --U	۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
--U   --U   --U   --U	۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب
--U   --U   --U   --U	۴- چو در وقت بهار آبی پدیدار
--U   --UU   --UU   --UU	۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

وزن شعر مثال اول ۴ بار تکرار الگوی هجایی « U - - » شد. اما وقتی وزن این شعر را از ما بپرسند؛ نمی‌گوئیم چهار بار « U - - ». بلکه ساختار « U - - U » در علم عروض، معادل خاصی دارد و آن «فَعولُن» است. در واقع اگر وزن این شعر را از ما پرسیدند؛ می‌گوئیم: فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن. «فَعولُن» یک «رُکن» یا «وزن‌واژه» یا «پایه‌ی آوایی» است. مهمترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ مورد می‌باشند و در ۳ دسته جای می‌گیرند، که ذیلاً با آن‌ها آشنا می‌شوید:

**الف) ارکانی که در آغاز، میان و پایان مصراع می‌آیند:**

۱	فاعِلَاتُنْ	-- U -	۷	فاعِلُنْ	- U -
۲	مَفَاعِلُنْ	--- U	۸	مَفَاعِلُنْ	- U - U
۳	مُسْتَفْعِلُنْ	- U --	۹	فَعِلُنْ	- U U
۴	فَعولُنْ	-- U	۱۰	مَفَعولُنْ	- - -
۵	مُفْتَعِلُنْ	- U U -	۱۱	فَع لُنْ	- -
۶	فَعَلَاتُنْ	-- U U			

**ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند.** (زیرا آخرین هجای آن‌ها کوتاه است)

۱	فاعِلَاتُ	U - U -	۴	مُسْتَفْعِلُ	U U --
۲	فَعَلَاتُ	U - U U	۵	مَفَعولُ	U --
۳	مَفَاعِلُ	U -- U	۶	مَفَاعِلُ	U U - U

**ج) ارکان پایانی که فقط در آخر مصراع می‌آیند:**

۱	فَعَلْ	- U	۲	فَعْ	-
---	--------	-----	---	------	---

**توجه:** خوبی این وزن‌واژه‌ها، هم‌وزنی با الگوی هجایی آن‌هاست. به الگوی هجایی آن‌ها توجه کنید.

فاعِلَاتُنْ	فا ع ل ا تُنْ	- - U -
مَفَاعِلُنْ	مَ فا ع ل نْ	- - - U
مُسْتَفْعِلُنْ	مُس تَف ع ل نْ	- U - -
مُفْتَعِلُنْ	مُف تَ ع ل نْ	- U U -
فاعِلُنْ	فا ع ل نْ	- U -
فَعولُنْ	فَ عو ل نْ	- - U
فَعَلْ	فَ ع ل	- U

**تشخیص مرز پایه‌های آوایی و رسیدن به ارکان یا وزن‌واژه‌های یک مصراع به دو روش انجام می‌شود.**

**الف)** با توجه به تقطیع و چینش هجاها، تشخیص بدهیم که هجاها را «چند تا چند تا» جدا کنیم تا به ترتیب منظمی برسیم. مثلاً در مثال ۱ و ۲ اگر هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم به ترتیب منظمی می‌رسیم. حال اگر ابیات مثال‌های ۳ و ۴ و ۵ را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم، منظمی در آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی اگر «۴ تا ۴ تا» جدا کنیم، نظم

می‌گیرند و همسان می‌شوند. اوزان ۱ تا ۵ را **اوزان همسان یا همسان تک پایه‌ای** می‌گویند. در مثال ۶ ابتدا هجاها را ۳ تا ۳ تا جدا می‌کنیم، نظمی ندارد، ۴ تا ۴ تا جدا می‌کنیم، باز هم نظمی ندارد. ولی وقتی «۴ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، متوجه می‌شویم، هر مصراع از الگوی منظمی پیروی می‌کند، به این صورت که رکن اول در رکن سوم، و رکن دوم در رکن چهارم تکرار شده‌اند. این گونه اوزان را نیز همسان می‌گوئیم ولی چون با اوزان همسان ۱ تا ۵ تفاوت دارند و ارکان، کلاً یکسان نیستند، و از ۲ پاره یا ۲ لخت تشکیل شده‌اند، آن‌ها را **اوزان همسان دولختی (دُوری)** می‌گویند. مثال ۷ نیز همینطور است با این تفاوت که اگر هجاها را «۳ تا ۴ تا» جدا کنیم، شاهد این تناوب خواهیم بود. در مثال‌های ۸ و ۹ ابتدا هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، نظمی مشاهده نمی‌شود. بار دیگر هجاها را «۴ تا ۴ تا» جدا می‌کنیم، باز هم نظمی مشاهده نمی‌شود. مدل‌های مرسوم دیگر مانند «۴ تا ۳ تا» یا «۳ تا ۴ تا» را امتحان می‌کنیم ولی باز هم هیچ نظمی مشاهده نمی‌شود. این گونه اوزان را که هیچ نظم مشخص ندارند ولی در کل آهنگین هستند، **اوزان ناهمسان** می‌گوئیم.

در واقع با توجه به نظم هجاها سه نوع نظم در آن‌ها دیده می‌شود:

الف) همسان تک پایه‌ای ۱ تا ۵

ب) همسان دو لختی ۶ و ۷

ج) ناهمسان: مثال ۸ و ۹

**توجه:** پایه‌ی آوایی، وزن‌واژه و رکن آوایی یا عروضی هر سه اصطلاحاتی هستند که برای الگوهای هجایی منظم درون مصراع به کار می‌روند. فاصله یک رکن و رکن دیگر را «مرز آوایی» می‌گویند.

در بن این	پرده‌ی نیلوفری	
- UU -	- UU -	- U -
مُفْتَعِلُنْ	مُفْتَعِلُنْ	فَاعِلُنْ

ب) روش دیگری که مرز پایه‌های آوایی را مشخص می‌کند، روش سماعی است. در این روش، بدون تقطیع هجایی با توجه به فراز و فرودهای آوایی، متوجه مکث‌هایی درون یک مصراع می‌شویم. مثلاً وقتی بی‌تی را می‌خوانیم، در محل‌هایی مکث می‌کنیم، آن مکث، محل مرز آوایی وزن‌واژه‌هاست. به خوانش و مکث‌های موجود در بیت زیر دقت کنید.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند      به نازی که لیلی به محمل نشیند  
غمش در نهان‌خا نه‌ی دل نشیند      به نازی که لیلی به محمل نشیند

اکنون برای قسمت‌های تفکیک‌شده «وزن‌واژه» مناسب را می‌آوریم.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند      به نازی که لیلی به محمل نشیند  
غمش در نهان‌خا نه‌ی دل نشیند      به نازی که لیلی به محمل نشیند  
فَعُولُنْ      فَعُولُنْ      فَعُولُنْ      فَعُولُنْ      فَعُولُنْ      فَعُولُنْ

چند مثال دیگر:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود      وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود  
ای ساربان آهسته ران کارام جا نم می‌رود      وان دل که با خود داشتم با دلستا نم می‌رود  
مُسْتَفْعِلُنْ      مُسْتَفْعِلُنْ      مُسْتَفْعِلُنْ      مُسْتَفْعِلُنْ      مُسْتَفْعِلُنْ      مُسْتَفْعِلُنْ



من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم  
 من از آن حُسنِ روزافزون که یوسف داشت دانستم  
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

ای نام تو بهترین سر آغاز  
 ای نام تو بهترین سر آغاز  
 مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن  
 بی نام تو نامه کی بی نام تو نامه کی  
 مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

توجه داشته باشید در این روش باید بدون تقطیع هجایی و از راه شنیدن به مرز آوایی و وزن واژه‌ها برسیم.  
 به خوانش و تقطیع بیت زیر توجه کنید.

وقتی دل سودایی، می‌رفت بستان‌ها  
 وقتی این شعر را می‌خوانیم، در وهله اول متوجه مکثی میان هر مصراع می‌شویم. و هر مصراع را دو پاره می‌کنیم.  
 وقتی دل سودایی || می‌رفت به بستان‌ها  
 بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها  
 بی‌خویشتم کردی || بوی گل و ریحان‌ها  
 در مرحله دوم متوجه مکثی درون نیم‌مصراع‌ها می‌شویم.  
 وقتی دل سودایی | می‌رفت | به بستان‌ها  
 بی‌خویشتم کردی || بوی گل و ریحان‌ها  
 در هر دو روش اولین و اصلی‌ترین شرط، درست خواندن شعر است.

### نقدی بر کتاب درسی

به جرئت می‌توانم بگویم که کتاب درسی، اصلاً توان پاسخ‌گویی به سوالات کنکور را ندارد. و نه تنها این‌که اصلاً عروض را خوب درس نداده، بلکه به شدت ضعیف است. تردید بین روش سنتی و مدرن، عروض سنتی و نو، تردید در آموزش سماعی و نوشتاری و دوگانگی‌های دیگر، مانند: انتخاب معادل‌های امروزی به جای معادل‌های کهن، همچون: وزن واژه و پایه‌های آوایی به جای رُکن، و دو لختی به جای دوری و دیگر تفاوت‌های عروض سنتی و نو و وجود غلط‌های تایپی فراوان و تغییر ساختار کتاب در چند سال اخیر و حذف‌های بی‌مورد، معجون و مخلوطی از آموزش را پدید آورده است که نه تنها دانش‌آموز را سر در گم می‌کند، بلکه معلم‌ها را نیز به حیرت وا داشته است. به راحتی می‌توان فهمید، مؤلفین برای چهارچوب و ساختار کتاب، هیچ برنامه‌ی دقیق و یک‌دستی نداشته‌اند. و ندانسته‌اند کدام روش را برگزینند. علم عروض، تخصصی‌ترین قسمت ادبیات در دوره دبیرستان است. این مبحث، نه تنها سخت و خسته‌کننده نیست؛ بلکه بسیار شیرین و لذت‌بخش است. این لذت را وقتی درک می‌کنید که ببینید دانش‌آموزی بدون گذراندن واحدهای دانشگاهی و با تمرین و تکرار بتواند پس از شنیدن یا خواندن بی‌تی، وزن آن را بگوید. مهم‌ترین ضعف مؤلفین کتاب، آشنا نبودن به ایراد و اشکالات دانش‌آموزان است. برای تألیف جزوه یا کتاب عروض، شاعر بودن یا ادیب بودن کافی نیست. اولین و اصلی‌ترین شرط مؤلف کتاب عروض، معلم بودن است. تا معلم نباشید و عروض را در کلاس - تأکید می‌کنم در کلاس - برای دانش‌آموز ضعیف و کم‌سواد درس نداده باشید، نمی‌توانید کتابی تألیف کنید که دانش‌آموز را از اشتباهات محتمل دور کند. بله مؤلفین در سال دهم، هجا را گفته‌اند و یک‌ضرب در سال یازدهم به تقطیع شعر رسیده‌اند! و بدون هیچ فاصله‌ای به مرز ارکان رسیده‌اند و وزن نهایی شعر را در درس اول سال یازدهم ارائه کرده‌اند! از دیگر اشتباهات فاحش مؤلفین، جدا از بی‌سلیقگی در انتخاب اشعار ناب و پُر محتوا، ضعف در انتخاب ابیات برای ارائه‌ی مثال است. مثلاً بسیاری از ابیات که اختیارات شاعری دارند را در سال دهم و یازدهم آورده‌اند و هیچ هم به این فکر نکرده‌اند که ارکان «زکوی یا»، «نَسیم با»، «چراغ دل» با توجه به اختیارات شاعری با «مفاعیلن» برابر می‌شوند و حال آن‌که دانش‌آموزان، اختیارات شاعری را در سال بعد باید بخوانند. یا پیش از آن‌که نکته‌ی حذف «ن» ساکن بعد از مصوت بلند گفته شود، در درس یازدهم سال دهم، همچین مثالی آورده می‌شود. آوردن درس قافیه وسط درس‌های عروض! آن‌هم به طور ناقص و سردرگم! حذف قافیه میانی و اشتباه



گرفتن آن با قافیه درونی! از دیگر ضعف‌های کتاب، تمرین‌های ضعیف، ناکارآمد و بی‌ذوق و حتی استفاده از منابع و نُسَخ غیر معتبر را می‌توان برشمرد. توجه به ویرگول، نیم فاصله و علائم ویراشی دیگر، در عروض اهمیت بسیار دارد که در این کتاب و البته کتاب‌های فارسی - و احتمالاً در کتب دروس دیگر - اصلاً رعایت نشده است. این‌ها انتقاداتی بود که بنده با اغماض فراوان هم نتوانستم از آن‌ها بگذرم و قطعاً معلم‌های دیگر هم انتقاداتی دیگر دارند که شاید منطقی و درست باشد. به هر حال این جزوه را دبیری تألیف می‌کند که علاوه بر شاعر بودن و تحصیلات عالی دانشگاهی، ۱۵ سال از عمر خود را در تدریس این درس، در کلاس‌های ادبیات و کارگاه‌های شعر و ترانه گذرانده است و اشتباهات قطعی و محتمل دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان را به خوبی درک کرده است و برای هر اشتباهی که دانش‌آموزان در سال‌های گذشته مرتکب آن شده‌اند، نکته‌ای آورده و مثالی زده است. امید که با خواندن این جزوه، توانایی درک وزن ابیات را کسب کرده و از آن‌ها لذت ببرید. (کنکور هم جای خود را دارد.)

#### ۴۲- علامت هجایی «U -- U -- U -- U --» نشان دهنده کدام گزینه است؟

- (۱) بنالد همی پیش گلزار بلبل  
(۲) تو ندانم به چه امیّد نهادستی  
(۳) بگو از دلیران و مردان جنگ  
(۴) تو را پاک آفرید ایزد، ز خود شرم نمی‌آید

#### ۴۳- در علامت هجاهای کدام گزینه، چهار بار الگوی هجایی «U --» تکرار شده است؟

- (۱) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست  
(۲) همه عالم گواه عصمت اوست  
(۳) هر چه بودم منتظر آخر نیامد در کنارم  
(۴) تا به کی افتم و تا چند به پا برخیزم

#### ۴۴- وزن و پایه‌آوایی کدام گزینه با مصراع «روشن ندارد خانه را، قنديل ناآویخته» یکسان است؟

- (۱) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای  
(۲) تادل من رو به قناعت نهاد  
(۳) ای عاشقان ای عاشقان پیمانہ راگم کرده‌ام  
(۴) دل پی دلدار رفت دیده چو آن حال دید  
اشک به دندان گرفت دامن و در پی دوید

#### ۴۵- خوشه‌های هجایی کدام بیت به شکل زیر است؟

«U -- U -- U -- U --»

- (۱) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند  
(۲) نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس  
(۳) ای مسلمانان فغان از جور چرخ چنبری  
(۴) روزگارست این که عزت می‌دهد گه خوار دارد  
همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی  
که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست  
و ز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری  
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

#### ۴۶- خوشه‌های هجایی واژگان مصراع‌ی از بیت «نه چنان گناهکارم که به دشمنم سپاری // تو به دست خویش فرمای

اگرم کنی عذابی» در کدام گزینه نشان داده شده است؟

- (۱) -- U -- / U -- UU / U -- U -- / U -- UU  
(۲) -- UU / -- UU / -- UU / -- UU  
(۳) -- U -- / -- UU / -- U -- / -- UU  
(۴) -- U -- / U -- UU / -- U -- / U -- UU

#### ۴۷- تقطیع هجایی کدام مصراع مطابق «U -- U -- // -- U -- U --» است؟

- (۱) مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا  
(۲) گر قاب قوس خواهی، دل راست کن چو تیری  
(۳) یک شمع از این مجلس، صد شمع بگیراند  
(۴) ای صوفیان عشق بدرید خرقه‌ها

#### ۴۸- تقطیع هجایی زیر مربوط به کدام گزینه است؟

(-- UU -- UU -- UU -- UU)

- (۱) چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد  
(۲) شده نزدیک که هجران تو ما را بکشد  
(۳) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند  
(۴) دل و جانم به تو مشغول و نظر بر چپ و راست

۴۹- وزن واژه بیت زیر کدام است؟

«یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که او سرسپرده می خواست، من دل سپرده بودم»

- (۱) مَفْعُولُ مَفَاعِلَيْنِ مَفْعُولُ مَفَاعِلَيْنِ  
(۲) مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ  
(۳) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ  
(۴) مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

۵۰- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم»

- (۱) \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۲) \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U  
(۳) \_ \_ U \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U \_ / \_ U \_ U  
(۴) \_ \_ U U / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U

۵۱- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«دلم از تو چون برنجد، که به وهم درنگند که جواب تلخ گویی تو بدین شکردهانی»

- (۱) \_ \_ U \_ / U \_ U U / \_ \_ U \_ / U \_ U U  
(۲) \_ \_ U \_ / \_ \_ U U / \_ \_ U \_ / \_ \_ U U  
(۳) \_ \_ U \_ / U \_ U U / U \_ U \_ / U \_ U U  
(۴) \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U

۵۲- تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر در کدام گزینه درست نشان داده شده است؟

به یاد یار و دیار آنچنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم

- (۱) \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U    \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۲) \_ U U / U \_ U U / U \_ U U / U \_ U U    \_ U U / U \_ U U / U \_ U U / U \_ U U  
(۳) \_ \_ / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U    \_ \_ / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۴) \_ \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U    \_ \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U

### فصل هفتم: اختیارات شاعری

گفتیم وزن شعر فارسی مبتنی بر تساوی هجاهاست. هم از نظر کمی و هم کیفی. یعنی نه تنها این که تعداد هجاهای مصراع‌ها یکسان است، بلکه ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در تمام مصراع‌ها هم یکسان است. مثلاً وقتی فردوسی اولین مصراع شاهنامه را بر وزن « U / \_ \_ U / \_ \_ U / \_ \_ U » سرود، مجبور شد کل شاهنامه را بر همین وزن بسراید. و یا وقتی مولانا مصراع اول مثنوی معنوی را بر وزن « U \_ / \_ \_ U \_ / \_ \_ U \_ » گفت، کل پنجاه و دو هزار مصراع را بر همین ترتیب هجایی سرود. همان‌طور که تصور می‌کنید، این رعایت و هماهنگی چیزی در حد معجزه است و معجزه هم از بشر امروزی ساقط است. لذا اختیاراتی به شاعران اجازه می‌دهد تا در شرایط خاص از این وزن‌ها و چیدمان هجایی خارج شوند و در مقابل هجای کوتاه، هجای بلند بیاورند و بالعکس. اختیارات شاعری در محل و یا در حالتی است که گوش فارسی‌زبانان، آن اختلاف را خیلی خارج از وزن نمی‌داند و استفاده از آن باعث بر هم خوردن نظم آوایی و شنیداری نمی‌شود. به مجموعه اختیاراتی که شاعران از آن‌ها استفاده می‌کنند تا شعرشان از وزن خارج نشود «اختیارات شاعری» می‌گویند.

اختیارات شاعری به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اختیارات زبانی ۲- اختیارات وزنی

## ۱- اختیارات زبانی:

اختیاراتی است که شاعر در صورت نیاز، با نحوه تلفظ، در کیفیت هجاها تغییری ایجاد می‌کند و هجای بلند را به هجای کوتاه و هجای کوتاه را به هجای بلند، نزدیک می‌کند.

اختیارات زبانی دو دسته است: الف) حذف همزه ب) تغییر کمیت مصوت‌ها

### الف) حذف همزه:

حذف همزه از پرکاربردترین اختیار شاعری است. و آن وقتی است که پیش از همزه یک صامت و بعد از همزه یک مصوت بیاید. در این صورت، همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن، به مصوت بعد آن می‌چسبد. به الگوهای زیر توجه کنید.

مرد آمد	⇐	مرد آمد
م - ر د		م - ر د
د ا م د		د ا م د
دل‌انگیز	⇐	دل‌انگیز
د - ل گ ی ز		د - ل گ ی ز
د - ل گ ی ز		د - ل گ ی ز

**یادآوری:** کلمات «آمد، ایران، اوستا، احمد، اعتماد، افتاد و...» با همزه شروع شده‌اند.

در ابیات زیر، هنگام نوشتن به خط عروضی یا خوانش شعر، همزه‌ی آغازین کلمات مشخص شده، حذف شده است.

بلند آن سر، که او خواهد بلندش	نژند آن دل، که او خواهد نژندش
در این بود درویش شوریده‌رنگ	که شیری برآمد شغالی به چنگ
هر کسی از ظنّ خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
بشد تیز رهام با خود و گبر	همی گرد رزم اندر آمد به ابر
شاهد نیاز نیست که در محضر آورند	در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

**توجه:** حذف همزه آغازین یک اختیار است و شاعر می‌تواند آن را حذف نکند و تلفظ کند. (حتی اگر پیش از آن، صامت باشد؛ یعنی حتی اگر شرایط حذف وجود داشته باشد).

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد	شد و تکیه بر آفریننده کرد
دارد اسارت تو به زینب اشارتی	از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه؟
چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار	از آن دریای بی پایاب آسان

**نکته:** حذف همزه زمانی ممکن است که واژه قبل آن، به صامت ختم شده باشد. اگر قبل از همزه، مصوت باشد، حذف همزه غیرممکن است. در مثال‌های زیر، قبل همزه، مصوت است، لذا همزه نمی‌تواند حذف شود.

اگر لطفش قرین حال گردد	همه ادب‌ارها، اقبال گردد
کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست؟	چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد
گویند ز عشق کن جدایی	این نیست طریقی آشنایی

**توجه:** طبق نکته فوق، اگر پیش از همزه «ء»، مصوت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و

**مصوت قبل آن،** هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از ← کز ( ک - ء - ز = کز )

که او ← کاو ← کو ( ک - ء - و = کو ، که به صورت «کاو» نوشته می‌شود )

که آن ← کان ( ک - ء - ن = کان )

داده است ← دادست ( د ا د - ء - س ت = دادست )

**توجه:** در موارد زیر (و موارد مشابه) همزه و مصوت بعد از آن، هر دو حذف می‌شوند.

دانا است ← دانا است ( د ا ن ا + ء - س ت = داناست )

خوبی است ← خوبی است ( خ و ب ی + ء - س ت = خوبیست )

مینواست ← مینواست ( م ی ن و + ء - س ت = مینواست )

**توجه:** در موارد زیر، واژه‌ی مشخص شده را، هم می‌شود با حذف همزه خواند، هم بدون حذف همزه. (این نکته به «ن» ساکن بعد از مصوت بلند مربوط است.)

ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود  
وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود  
به خوناب شفق در دامن شام  
به خون آلوده ایران کهن دید

خون	آ	لو	د
U	-	-	-
ای ساربان	آهسته ران	ای ساربان	نا هسته ران
- U	- U	- U	- U

**توجه:** این حذف همزه در واقع ذاتی زبان است و در حالت عادی و معیار و غیر شعری نیز حذف می‌شود و در اصل اختیار مخصوص شاعری نیست. ولی عروضیان و کتاب درسی آن را اختیار شاعری گفته‌اند. در زبان‌های دیگر نیز این همزه و صدا حذف می‌شود.

*I am... = I'm ...*

*it is ... = it's ...*

### (ب) تغییر کمیت مصوت‌ها

اگر به الگوهای هجایی و نوع واج‌ها آن‌ها توجه کنیم، درمی‌یابیم که مصوت‌های بلند، از نظر آوایی، دو برابر مصوت‌های کوتاه یا صامت‌ها هستند. تغییر کمیت مصوت‌ها به شاعر این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز با بیشتر کشیدن مصوت کوتاه، آن را به مصوت بلند تبدیل کند، (تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع مقابل یکسان کند) و یا با کم‌تر کشیدن مصوت بلند، آن را به مصوت کوتاه تبدیل کند (تا هجای بلند یک مصراع را با هجای کوتاه مصراع مقابل، یکسان کند). همان‌طور که از توضیح فوق برمی‌آید، تغییر کمیت مصوت‌ها دو نوع است:

۱- بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه ۲- کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند

### ۱- بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه

شاعر می‌تواند در صورت نیاز، مصوت کوتاه پایان کلمه را بلندتر و کشیده‌تر تلفظ کند تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع دیگر یکسان کند. این اختیار شاعری نیز، جزء پرکاربردترین اختیارات شاعری است. کم‌تر بیتی را می‌توان دید که این اختیار شاعری در آن استفاده نشده باشد. در واقع، در صورت اختلاف نوع هجاهای مقابل دو مصراع (اختلاف کیفی)، با توجه به رعایت نکات قبلی که آموخته‌ایم، اولین بررسی اختیارات را بر مبنای این اختیار انجام می‌دهیم. به تقطیع هجایی بیت زیر توجه کنید.

چو در وقت بهار آیی پدیدار      حقیقت پرده، برداری ز رخسار

چ	دَر	وَقْ	تِ	بَ	ها	را	یِ	پَ	دِی	دَار
U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
ح	قِی	قَت	پَر	دِ	بَر	دا	رِی	زِ	رُخ	سَار

همان طور که در الگوی هجایی دو مصراع مشخص است، نوع هجای چهارم در مصراع اول با مصراع دوم متفاوت است. اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» به شاعر این امکان را می‌دهد تا **مصوت کوتاه پایان کلمه** را در صورت نیاز، بلند تلفظ کند.

تقطیع و علامت‌های بالا برای قبل از آموختن اختیارات شاعری بود. اکنون اختلاف دو هجای فوق را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم.

جُ	دَر	وَق	تِ	بَ	ها	را	یی	پَ	دی	دار
U	-	-	<del>X</del>	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
حَ	قَى	قَت	پَر	دِ	بَر	دا	ری	زِ	رُخ	سار

در بین سه مصوت کوتاه «بَ»، مصوت کوتاه «تِ» بسیار زیاد و مصوت کوتاه «پَ» بسیار کم، مشمول این اختیار می‌شوند. اکنون برای هر سه مصوت، مثال‌هایی آورده می‌شود.

بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه «بَ»

دست من شکسته بودی آن زمان      چون زدم من بر سر آن خوش‌زبان

دس	تِ	مَن	بِش	کَس	تِ	بو	دی	آن	رَ	مان
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
چُن	زَ	دَم	مَن	بَر	سَ	رِ	آن	خُش	رَ	بان

خروش سواران و اسپان ز دشت      ز بهرام و کیوان همی بر گذشت

خُ	رو	شِ	سَ	وا	را	نُ	اَس	پان	زِ	دشت
U	-	<del>X</del>	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
زِ	بِه	را	مُ	کی	وان	هَ	می	بَر	گُ	دشت

گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

گُل	بِ	هَد	م	رَن	گُ	بَ	رَا	زَن	دِ	گِی
-	U	U	×	-	U	U	-	-	U	-
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
مِی	کُ	نَ	دَز	پَر	تُ	وِ	مَن	زَن	دِ	گِی

بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه « \_ »

تو مگر خود مرد صوفی نیستی؟ هست را از نسیه خیزد نیستی

تِ	مِ	گَر	خُد	مَر	دِ	صو	فی	نیس	تی
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U
هَس	ت	رَا	اَز	نِس	یِ	خِی	زَد	نِی	سِ

همه تیغ و گرز و کمند آورید به ایرانیان تنگ و بند آورید

هَد	مِ	تِی	غُ	گَر	زُ	کَ	مَن	دَا	وَ	رِید
U	×	-	U	-	×	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
بِ	اِی	رَا	نِ	یَانُ	تَن	گُ	بِن	دَا	وَ	رِید

ز آزار گُرد آفرید و هجیر پُر از درد بودند بُرنا و پیر

زِ	آ	زَا	رِ	گَر	دَا	فَد	رِی	دُ	هَد	جِیر
U	-	-	U	-	-	U	-	×	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
پُ	رَز	دَر	د	بُو	دَن	د	بُر	نَا	وَ	پِیر

بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه « َ »

این اختیار معمولاً در واژه « نه » و « وَ » رخ می‌دهد.

نه غلط گفتم که نایب یا منوب      گر دو پنداری قبیح آید نه خوب

نَ	غَ	لَط	گُف	تَم	کِ	نَا	یَب	بَا	مَ	نوب
<del>X</del>	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
گر	دُ	پِن	دا	ری	قَ	بی	حا	یَد	نَ	خوب

گفتم ار عریبان شود او در عیان      نه تو مانی نه کنارت نه میان

گُف	تَ	مَر	عَر	یَانُ	شَ	وَد	اَو	دَر	عَ	یان
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	<del>X</del>	U	-	-	<del>X</del>	U	-
نَ	تُ	ما	نی	نَ	کِ	نَا	رَت	نَ	مَ	یان

نه سبویی و نه آبی در سبو      این چنین کس از چه می‌ترسد بگو؟

نَ	سَ	بُو	یِی	وَ	نَ	آ	بِی	دَر	سَ	بُو
<del>X</del>	U	-	-	<del>X</del>	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
این	چُ	نِینُ	کَس	اَز	چِ	مِی	تَر	سَد	بِ	گو

توجه: بیت فوق خوانش دیگری هم دارد، ولی این خوانش ترجیح دارد.

نکته بسیار مهم: گاه شاعر در دو هجای روبه‌روی هم از این اختیار شاعری استفاده می‌کند. در این صورت، تشخیص

اختیار شاعری دشوار می‌شود. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

به خون گر کشی خاک من، دشمن من،      بجوشد گل اندر گل از گلشن من

بِ	خون	گَر	کِ	شی	خَا	کِ	مَن	دَش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
بِ	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

در تقطیع فوق، در نگاه اول، با توجه به عدم ناهماهنگی و یکسانی هجاها، تصوّر می‌شود که از اختیار شاعری استفاده نشده است، ولی با توجه به وزن کلّ مصراع و ارکان دیگر متوجه می‌شویم، در هجای یکی مانده به آخر، در هر دو مصراع، از اختیار شاعری بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه استفاده شده است.

ب	خون	گَر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
ب	جو	شَد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

مثال‌های دیگر:

در خطاب آدمی ناطق بُدی      در نوای طوطیان حاذق بُدی

دَر	خِ	طَا	بِ	آ	دَ	مِ	نَا	طِ	بُ	دِ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دَر	نَ	وَا	یِ	طَو	طِ	یَانُ	حَا	ذِ	بُ	دِ

کمان به‌زه را به بازو فکند      به بند کمر بر، بزد تیر چند

کَ	ما	نِ	بِ	زِه	رَا	بِ	بَا	زَو	فِ	کَنْد
-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
-	U	-	U	-	-	U	-	-	U	-
بِ	بِن	دِ	کَ	مَر	بِر	بِ	زَد	تِ	ر	چَنْد

**نکته بسیار مهم:** برای یافتن اختیارات شاعری، بهتر است، علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌روی دو مصراع، به ارکان قبل و بعد و به اصل وزن هم توجه داشته باشیم.

**توجه:** «تو» در کلماتی مانند «توحید، توسن و...» هجای بلند است و اختیار شاعری «بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه» برای آن صدق نمی‌کند. در واقع بین «ت» و «و»، مصوّت کوتاه «-» وجود دارد. مانند کلمات «نُو، رُو، جُو، شُو و...»



## ۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

همان طور که می‌توانستیم در شرایطی، مصوت کوتاه را بلند تلفظ کنیم، برعکس آن نیز ممکن است. یعنی می‌توانیم مصوت بلند را کوتاه تلفظ کنیم، تا هجای بلند را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. به تقطیع بیت زیر توجه کنید. در دام فُتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

در	دا	م	فُ	تا	دِ	آ	هو	یی	چند
-	-	U	U	-	U	-	-	-	-
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
مُح	کَم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	در	بند

هجاهای ستون هشتم دو مصراع با هم اختلاف دارند. پیش از این آموختیم با بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه پایانی کلمه، می‌توانیم هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل کنیم، اما در این مثال، **اولاً؛** با توجه به وزن شعر «مفعول مفاعیلن فَعولن» این اجازه را نداریم، **ثانیاً؛** واج «ی» اصلاً مصوت نیست که بلند تلفظ کنیم تا هجای کوتاه را با هجای بلند برابر کنیم! اما اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، این اختیار را به ما می‌دهد که **در صورت آمدن واج «و» یا «ی» بعد از مصوت بلند «و» یا «ی»** می‌توانیم آن مصوت بلند را، کوتاه تلفظ کنیم.

آهو = آهویی مصوت بلند واج «ی»  
 آرزو = آرزویی مصوت بلند واج «ی»

در	دا	م	فُ	تا	دِ	آ	هو	یی	چند
-	-	U	U	-	U	-	×	-	-
-	-	U	U	-	U	-	هُ	-	-
مُح	کَم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	در	بند

**نکته:** اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» مخصوص مصوت بلند «و» و «ی» می‌باشد که به ترتیب به مصوت کوتاه «و» و «ی» تبدیل می‌شوند.

گاه سوی وفا روی، گاه سوی جفا روی آن منی کجا روی، بی تو به سر نمی‌شود

گا	ه	سُو	ی	وَ	فا	رَ	وی	گا	ه	سُو	ی	ج	فا	رَ	وی
-	U	×	U	U	-	U	-	-	U	×	U	U	U	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	U	U	-
آ	نِ	مَ	نی	کُ	جا	رَ	وی	بی	تُ	بِ	سَر	نِ	می	شَ	وَد

**نکته‌ی مهم:** همزه بعد از مصوت بلند، اگر حذف شود و مصوت بلند به مصوت دیگر برسد، مصوت بلند می‌تواند طبق اختیار شاعری، کوتاه تلفظ شود.

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم سر از تن من

تَ	نَم	گَر	بِ	سَو	زِی	بِ	تِی	رَم	بِ	دَو	زِی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
جُ	دَا	سَا	زِی	یِی	خَص	م	سَر	اَز	تَ	نِ	مَن

چون رایست عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان گیر

چُن	رَاءَ	یَ	تِ	عِش	قِ	اَنُ	جَ	هَانُ	گِیر
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
شَد	چُن	مَ	هَ	لِی	لِی	یَا	سِ	مَانُ	گِیر

**نکته:** مصوت بلند «و» در کلمات تک‌هجایی «بو، رو، جو، مو و...» هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود و به صورت «بُ، رُ، جُ، مَ» و... در نمی‌آید. اما کلمه «سو» در صورت اضافه‌شدن به کلمه‌ای دیگر (مانند: سویِ من)، ممکن است مشمول این اختیار شاعری شود و به صورت «سویِ سِی» تلفظ شود.

**نکته‌ی بسیار مهم:** نکات ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۴ در فصل سوم، اختیار شاعری محسوب نمی‌شوند.

## ۲- اختیارات وزنی:

اختیاراتی است که گوش آن‌ها را حس می‌کند ولی ایراد نمی‌شمارد. اختیارات زبانی، اختیاراتی در نحوه تلفظ بود ولی اختیارات وزنی اختیاراتی در تغییر هجاهاست. اختیارات وزنی ۴ نوع هستند.

**الف) بلند بودن هجای پایان مصراع (و نیم‌مصراع در اوزان دو لختی یا دُوری)**

**هجای پایانی مصراع‌ها را همیشه بلند در نظر می‌گیریم،** ولی شاعر می‌تواند به جای آن، از هجای کوتاه یا کشیده هم استفاده کند. مثلاً در بیت زیر که هجای پایانی آن هجای بلند است، شاعر در مصراع دوم هجای کشیده آورده است.

من اگر کام روا گشتم و خوشدل چه عَجَب مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند

در واقع هر وقت هجای پایانی مصراعی، کوتاه یا کشیده بود، شاعر از این اختیار شاعری استفاده کرده است. و در علامت‌گذاری هجاها، باید برای آن‌ها هجای بلند قرار بدهیم.

## ۲- آوردن فاعلاتن به جای فَعْلَاتُنْ در رکن اول مصراع

بعضی از اوزان شعر فارسی مانند «فَعْلَاتُنْ، مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ» یا «فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ» و... با رکن «فَعْلَاتُنْ» شروع می‌شوند. شاعر می‌تواند به جای «فَعْلَاتُنْ» اول مصراع «فَاعِلَاتُنْ» بیاورد.

مَنم آن تشنه‌ی گُهر برده بخت من زنده بخت تو مرده

مَ	نَ	مَانُ	تِش	نِ	یِ	گُ	هَر	بُر	دِه
U	U	-	-	U	U	U	-	-	-
-	U	-	-	U	U	U	-	-	-
بِخ	تِ	مَن	زِنِ	دِ	بِخ	تِ	تُ	مُر	دِ

همان‌طور که می‌بینید شاعر در مصراع دوم به جای «فَعْلَاتُنْ»، «فَاعِلَاتُنْ» آورده است.

**توجه:** بیت فوق اختیارات شاعری دیگری نیز دارد.

گفت اگر خیر است خیر اندیش تو شری جز شرت نیاید پیش

دیش	رَن	خِی	ت	اَس	ر	خِی	گَر	تَ	گُف
-	-	-	U	-	U	-	-	U	-
-	-	-	U	-	U	-	-	U	U
پیش	یَد	یا	نَ	رَت	شَ	جُز	ری	شَ	تُ

**نکته:** این اختیار شاعری پرکاربرد است و ممکن است حتی در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

**نکته:** وزن‌های زیر را بشناسیم. زیرا این اختیار شاعری در این اوزان رخ می‌دهد.

۱- فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

تو به سیمای شخص می‌نگری **ما** در آثار صنع حیرانیم

۲- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ

بُت خود را شِکَن خوار و ذلیل **نامور** شو به فتوتِ چو خلیل

۳- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ

تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند **تا** کسی همچو تو باشد که در او خیره بمانی

۴- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ

بِنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین **کاین** اشارت ز جهان گذران ما را بس

**نکته‌ی بسیار مهم:** نمی‌توانیم به جای فاعِلَاتُنْ آغازین، فَعْلَاتُنْ بیاوریم.

**نکته:** اصل «فَعْلَاتُنْ» است. پس اگر حتی در تمام مصراع‌های یک شعر، به جای آن، «فاعِلَاتُنْ» آمده باشد و تمام

مصراع‌ها هم یکسان باشند، باز هم اختیار شاعری وجود دارد.

(ج آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه کنار هم: ابدال)

شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، یک هجای بلند بیاورد، مثلاً به جای رکن فَعِلُنْ «UU-»، شاعر

می‌تواند فَعْلُنْ «-» بیاورد.

تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند **ما** تماشا کنان بستانیم

تَن	گ	چَش	مَانُ	نَ	ظَر	بِ	مِی	و	کُ	نَند
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-	-
ما	تَ	ما	شا	کُ	نا	نَ	بُس	تا		نیم

**نکته:** هر چند به جای دو هجای کوتاه در رکن‌های فَعْلَاتُنْ «UU-»، «مُفْتَعِلُنْ» «UU-» و «مُسْتَفْعِلُنْ» «UU-»

هم این اختیار شاعری دیده شده است و به صورت مَفْعُولُنْ «-» در می‌آیند، اما اغلب کاربرد آن در رکن فَعِلُنْ

«UU-» است که در پایان مصراع می‌آید و به رکن فَعْلُنْ «-» تبدیل می‌شود.

در اختیار شاعری قبلی به چند وزنی که این رکن را داشتند، اشاره شد. اکنون اوزان دیگری با این رکن را مشاهده کنید.

مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ  
که عندلیب تو از هر طرف هزارانند

مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ  
نه من بر آن گلِ عارض غزل سرایم و بس

**توجه:** در این اختیار شاعری، «دو هجای کوتاه»، اصل است که به جای آن یک هجای بلند آمده است و برعکس آن امکان پذیر نیست. یعنی نمی‌توانیم به جای یک هجای بلند، دو هجای کوتاه بیاوریم.

**توجه:** کتاب درسی این اختیار شاعری را مختصّ ارکانِ «فَعْلُنْ، مُفْتَعِلُنْ، فَعْلَاتُنْ و مُسْتَفْعِلُنْ» می‌داند. در حالی که در وزن رباعی بدون این که این ارکان وجود داشته باشد، این اختیار شاعری وجود دارد.

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگیات فُرات در جوش و خروش

پوش	لی	نی	مَت	ت	ما	غ	دا	ب	ب	کَع	ای
-	-	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-
روش	خُ	شُ	جو	در	ت	را	فُ	یَت	گی	ن	تَش

**توجه:** «تشنگیات» طبق اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند، به «تشنگیت» تبدیل شده است.

**توجه:** هرگاه تعداد هجاهای دو مصراع با هم برابر نبود، به احتمال ۹۹٪ این اختیار شاعری به کار رفته است.

**نکته:** این اختیار شاعری هم بسیار پرکاربرد است (مخصوصاً در تبدیل فَعْلُنْ به فَعْلُنْ) و ممکن است در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

سعدی در غزل زیر فقط در ۶ مورد از «فَعْلُنْ» استفاده کرده و در ۱۸ مصراع، طبق اختیار شاعری به جای «فَعْلُنْ»، «فَعْلُنْ» آورده است.

شهر بنید هوای جانانیم  
هر چه ما را لقب دهند آنیم  
ره به جای دگر نمی‌دانیم  
سر بی‌ازیم و رخ نگر دانیم  
زر فشانند و ما سر افشانیم  
عیب ما گو مکن که نادانیم  
ما به عشقش هزار دستانیم  
ما تماشاگانان بستانیم  
ما در آثار صنع حیرانیم  
در همه عمر، از آن پشیمانیم  
همه عالم به هیچ نستانیم  
ترک جان عزیز نتوانیم

ما گدایان خیل سلطانیم  
بنده را نام خویشتن نبُود  
گر برانند و گر ببخشایند  
چون دلارام می‌زنند شمشیر  
دوستان در هوای صحبت یار  
مر خداوند عقل و دانش را  
هر گلی نو که در جهان آید  
تنگ چشمان نظر به میوه کنند  
تو به سیمای شخص می‌نگری  
هر چه گفتیم جز حکایت دوست  
سعدیا بی وجود صحبت یار  
ترک جان عزیز بتوان گفت

(د قلب:

آوردن یک هجای کوتاه و یک هجای بلند به صورت برعکس در مصراع دیگر. این اختیار دو سویه است. یعنی می‌تواند

بر عکس باشد. ( U - ⇔ - U )

یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

کیست که پیغام من به شهر شروان برد

کیس	ت	ک	پی	غا	م	مَن	ب	شَه	ر	شیر	وَانُ	بَ	رَد
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
-	U	U	-	-	U	-	U	U	U	-	-	U	-
یک	سُ	خَ	نَز	مَن	بِ	دَانُ	مَر	دِ	سُ	خَن	دَانُ	بَ	رَد

وزن این شعر «مُفْتَعِلُن فاعِلُن // مُفْتَعِلُن فاعِلُن» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در مصراع اول به جای مُفْتَعِلُن «UU -»، مفاعِلُن «U - U» آورده است.

این اختیار شاعری از اختیارات شاعری کم کاربرد است و معمولاً در مُفْتَعِلُن «UU -» و مفاعِلُن «U - U» دیده می‌شود. و به جای هر کدام، دیگری را می‌توان آورد. (در اوزان رباعی نیز این اختیار شاعری پُر کاربرد است.)  
**نکته مهم:** اختلاف هجایی دو مصراع را - چه کمی و چه کیفی - زمانی با اختیارات شاعری بررسی می‌کنیم که از مراحل قبل کاملاً مطمئن باشیم. از درست خواندن، درست نوشتن (خط عروضی)، تقطیع هجایی و تقسیم به ارکان، مطمئن باشیم.

**نکته:** اوزان شعر فارسی به گونه‌ای است که معمولاً بیش از ۲ هجای کوتاه و بیش از ۴ هجای بلند کنار هم نمی‌آید، پس اگر غیر از این دیدیم به احتمال زیاد اختیار شاعری داریم. (البته اگر درست تقطیع کرده باشیم!)

**نکته:** به جز یکی دو وزن، معمولاً نسبت هجای کوتاه به هجای بلند، یک به دو ( $\frac{1}{2}$ ) است. اگر تعداد هجاهای کوتاه و بلند نزدیک به هم بود، به احتمال زیاد، اختیار شاعری وجود دارد.

**نکته‌ی بسیار مهم:** گفتیم ممکن است در دو هجای مقابل هم، در هر دو مصراع اختیار شاعری وجود داشته باشد. ممکن است در هر دو مصراع به جای فَعَلَاتُن اَوَّل، فاعِلَاتُن آمده باشد، در هر دو مصراع به جای فَعِلُن، فَعَلُن آمده باشد، در هر دو مصراع به جای هجای بلند پایان مصراع، هجای کوتاه یا کشیده آمده باشد، ممکن است در هر دو مصراع به جای مفاعِلُن، مُفْتَعِلُن آمده باشد (یا برعکس) و به طور کلی ممکن است در هر دو مصراع، در دو هجای رو به روی هم، به جای هجای کوتاه، هجای بلند آمده باشد (و یا برعکس). در این صورت به دلیل عدم اختلاف در دو مصراع، تشخیص وجود اختیار شاعری بسیار دشوار می‌شود، پس بهتر است علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌رو، به ارکان دیگر هم نظر داشته باشیم و اوزان را هم بشناسیم تا در صورت مغایرت با آن‌ها، متوجه وجود اختیار شاعری بشویم.

۵۳- در مصراع اول ابیات همه‌ی گزینه‌ها، به جز بیت گزینه‌ی .....، اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه به کار رفته است.

- |                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| سوی گورش هم به پای خویش برد   | رفت خادم وان جوان را پیش برد   |
| زلف او در دست و او را پیش دید | آن جوان آن جا چون ننگ خویش دید |
| تا کدامین چیز بیند آن نگار    | می‌ندانست آن گدای بی‌قرار      |
| مجلسی می‌دید الحق چون نگار    | چون درآمد آن جوان بی‌قرار      |

۵۴- در کدام بیت تغییر کمیت مصوّت بلند به کوتاه، رخ نداده است؟

- |                                     |                                    |
|-------------------------------------|------------------------------------|
| لمعه‌ی نور آمد از آنش به دست        | ۱) برق وی از وادی موسی بجست        |
| مجروح «لَن ترانی» چون خود هزار دارم | ۲) موسی طُور عشقم در وادی تمنا     |
| و آنگاه قرب موسی عمرانست آرزوست     | ۳) فرعون وار لاف انال‌الحق همی‌زنی |
| شنید آن چه موسی چنان کم شنید        | ۴) بدید آن چه موسی بجست و ندید     |

۵۵- در کدام بیت از هیچ تغییر کمیت مصوّتی استفاده نشده است؟

- (۱) ناچار هر که صاحب روی نکو بود  
 (۲) برخی نیاید از دل تنگم نفس تمام  
 (۳) الا یا ایها السّاقی ادر کأساً و ناولها  
 (۴) دیشب گلّه زلفش با باد همی گفتم
- هر جا که بگذرد همه چشمی در او بود  
 چون ناله‌ی کسی که به چاهی فرو بود  
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها  
 گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

۵۶- در همه ابیات به استثنای بیت ..... اختیار شاعری زبانی «تبدیل مصوّت بلند به مصوّت کوتاه» صورت گرفته است.

- (۱) بگذار اگر این بار سر از خاک برآرم  
 (۲) از حاصل عمر به هدر رفته‌ام ای دوست  
 (۳) ای کشتی جان حوصله کن می‌رسد آن روز  
 (۴) در سینه‌ام آویخته دستی قفسی را
- بر شانه تنهایی خود سر بگذارم  
 ناراضی‌ام، امّا گله‌ای از تو ندارم  
 روزی که تو را نیز به دریا بسپارم  
 تا حبس نفس‌های خودم را بشمارم

۵۷- در کدام گزینه هیچ یک از اختیارات شاعری زبانی وجود ندارد؟

- (۱) یاد ایّامی که در گلشن فغانی داشتم  
 (۲) آتشم بر جان ولی از شکوه لب، خاموش بود  
 (۳) گرد آن شمع طرب می‌سوختم پروانه‌وار  
 (۴) چون سرشک شوق بودم خاک‌بوس درگهی
- در میان لاله و گل آشیانی داشتم  
 عشق را از اشک حسرت ترجمانی داشتم  
 پای آن سرو روان اشک روانی داشتم  
 چون غبار از شکر، سر بر آستانی داشتم

۵۸- نوع اختیار زبانی به کار رفته در بیت ..... متفاوت است.

- (۱) قافله شب چه شنیدی ز صبح  
 (۲) گو رمقی بیش نماند از ضعیف  
 (۳) بر سر خشم است هنوز آن حریف  
 (۴) هر سحر از عشق دمی می‌زنم
- مرغ سلیمان چه خبر از سبا؟  
 چند کند صورت بی‌جان بقا؟  
 یا سخنی می‌رود اندر رضا؟  
 روز دگر می‌شنوم برملا

۵۹- اختیارات زبانی «حذف همزه، تغییر کمیت مصوّت کوتاه به بلند و تغییر کمیت مصوّت بلند به کوتاه» تماماً در همه گزینه‌ها وجود دارد؛ به جز. ....

- (۱) گویی اندر کشور ما برنمی‌خیزد وفا  
 (۲) در کوی عشق دیوی و دیوانگی است عقل  
 (۳) بیا ای ساقی گل‌رخ بیاور باده رنگین  
 (۴) الحق سزا گزیدی و حقاً که در خور است
- یا خود اندر هفت کشور هیچ جایی برخواست  
 بس عقل کو ز عشق ملامت‌گزين گریخت  
 که فکری در درون ما از این بهتر نمی‌گیرد  
 پیش مسیح مائده و پیش خر گیا

۶۰- دقیقاً در رکن دوم کدام یک از بیت‌های زیر، اختیار وزنی ابدال به کار رفته است؟

- (۱) هر چه داری اگر به عشق دهی  
 (۲) شرمنده شد از باد سحر گلبن عربان  
 (۳) آمد نوروز هم از بامداد  
 (۴) نماند تیری در ترکش قضا که فلک
- کافر مگر جوی زیان بیننی  
 وز آب روان شرمش بر بود روانیش  
 آمدنش فرخ و فرخنده باد  
 سوی دلم به سر انگشت امتحان نگشود

۶۱- اختیارات شاعری مقابل کدام بیت درست آمده است؟

- (۱) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم  
 (۲) در کوی خرابات مرا عشق‌کشان کرد  
 (۳) همه نسرين و ارغوان و گلست  
 (۴) بوی سلام یار من لخلخه‌ی بهار من
- ۱- (حذف همزه - ابدال)  
 ۲- (تغییر کمیت مصوّت - بلند بودن  
 هجای پایان مصراع)  
 ۳- (بلند بودن هجای پایانی - آوردن  
 فاعلاتن به جای فاعلاتن)  
 ۴- (قلب - تغییر کمیت مصوّت)
- دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا  
 آن دلبر عیار مرا دید نشان کرد  
 بر زمین شاهراه کشور ما  
 باغ و گل و ثمار من آرد سوی جان صبا

## ۶۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر اختیار شاعری قلب صورت گرفته است؟

- (۱) گفت که خاقانیا روی تو زرفام نیست  
 (۲) ز شرم عشق خموشم کجاست گریه شوق؟  
 (۳) سینه خاقانی و غم تا نزند ز وصل دم  
 (۴) درون آتش از آنم که آتشین گل من
- گفتم معذور دار زر نماید به شب  
 که با تو شرح دهد مشکلی که من دارم  
 دعوی عشق و وصل هم تا ز سگان کیست او  
 مرا چو پاره دل در کنار باید و نیست

## ۶۳- در کدام یک از بیت‌های زیر دو نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

- (الف) بد کردم که به جای تو جفا کردم  
 (ب) خلق را چرخ فروبیخت نمی بینی  
 (پ) به لگد کرد دوصد پاره میان‌هاشان  
 (ت) روز با باده و با ناله و تسبیحی
- نه نکو کردم دانم که خطا کردم  
 خس مانده است همه بر سر پرویزن  
 رگ‌هاشان ببرید و استخوان‌هاشان  
 شب با مطرب و با باده ریحانی
- (۱) الف - پ (۲) ب - ت (۳) الف - ت (۴) ت - ث

## ۶۴- هر سه اختیار شاعری «آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن»، «ابدال» و «تغییر کمیت مصوت» در همه ابیات به جز گزینه ..... آمده است.

- (۱) روی اگر باز کند حلقه سیمین در گوش  
 (۲) سر مویی نظر آخر به گرم با ما کن  
 (۳) گر منش دوست ندارم همه کس دارد دوست  
 (۴) جز به دیدار توأم دیده نمی‌باشد باز
- همه گویند که این ماهی و آن پروینست  
 ای که در هر بن موییت دل مسکینست  
 تا چه ویسی است که در هر طرف رامینست  
 گویی از مهر تو با هر که جهانم کینست

## ۶۵- تمام اختیارات بیت زیر در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- «درود ای پدر و مادرم، از من بدرود»  
 «که شدم فانی و در دام فنا بید همه»
- (۱) آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن - ابدال - بلند بودن هجای پایانی  
 (۲) آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن - حذف همزه - تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند  
 (۳) حذف همزه - تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه - ابدال  
 (۴) تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند و بلند به کوتاه - حذف همزه - بلند بودن هجای پایانی

## ۶۶- در کدام بیت اختیار وزنی قلب وجود دارد؟

- (۱) گریه گر سوی مژه راه نیابد مژه را  
 (۲) گوهر ذوالفقار او گر نه علی است چون کند  
 (۳) هنوز گویندگان هستند اندر عراق  
 (۴) منم و راه و رسم تازة گل
- ره سوی گریه کزو نیست گذر بگشایید  
 بیشه‌ستان رزم را آتشی و غضنفری  
 که قوت ناطقه مدد از ایشان برد  
 تا گشایم زبان آتش دل

## فصل هشتم: اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو

در فصل ششم آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روش سماعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و همچنین دیدیم بر این مبنا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: **اوزان همسان تک‌پایه‌ای، اوزان همسان دولختی (دوری) و اوزان ناهمسان.** و همچنین وزن ۹ بیت را بررسی کردیم و به دو روش فوق به دست آوردیم. در این فصل، تمام اوزانی که در هر یک از ۳ نوع وزن فوق وجود دارند، معرفی می‌شوند. (در این فصل پس از تمام مراحل؛ از جمله: درست‌خواندن شعر، نوشتن به خط عروضی، تقطیع هجایی، علامت‌گذاری هجایی، به دست آوردن پایه‌های آوایی و اعمال اختیارات شاعری، وزن شعر را از نظر **همسان و ناهمسان بودن** بررسی می‌کنیم.)



### الف - اوزان همسان تک پایه‌ای

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد. در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت مَحذوف آمده باشد. **ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن محذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.**

۱	فاعِلَاتُنْ	-- U --	فاعِلُنْ	- U -
۲	مَفَاعِيْلُنْ	--- U	فَعُولُنْ	-- U
۳	فَعَلَاتُنْ	- - U U	فَعِلُنْ	- U U
۴	فَعُولُنْ	- - U	فَعَلْ	- U
۵	مُفْتَعِلُنْ	- U U -	فاعِلُنْ	- U -

**توجه:** مُفْتَعِلُنْ (- U U -) پس از حذف هجای آخر به مُفْتَعِ (- U U) تبدیل می‌شود، ولی چون «ع» هجای پایان مصراع است، دوباره به هجای بلند تبدیل می‌شود و رکن مُفْتَعِلْ (- U -) به دست می‌آید. از طرفی چون «مُفْتَعِلْ» با «فاعِلُنْ» از نظر وزنی برابر است، از رکن یا پایه‌آوایی «فاعِلُنْ» استفاده می‌شود که به گوش آشنا تر است. **توجه:** رکن مُسْتَفْعِلُنْ، محذوف ندارد.

۱	هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ
۲	عزم دیدار تو دارد جان بر لب آماده	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۳	دوست آن باشد که گیرد دست دوست	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ
۵	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۶	من از این خانه به در می‌نروم	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۷	ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ
۸	یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ
۹	ای همه هستی ز تو پیدا شده	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ
۱۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	مَفَاعِيْلُنْ مَفَاعِيْلُنْ مَفَاعِيْلُنْ مَفَاعِيْلُنْ
۱۱	الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز	مَفَاعِيْلُنْ مَفَاعِيْلُنْ فَعُولُنْ
۱۲	غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ
۱۳	به نام خداوند جان و خرد	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعَلْ

**توجه:** برای اینکه این ۱۳ وزن همسان را به راحتی حفظ کنید، می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید. با توجه به اینکه اصلی‌ترین وزن، ۴ بار تکرار یک رکن است، ۶ وزن همسان از ۴ بار تکرار **رکن ۶** «فاعِلَاتُنْ، فَعَلَاتُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ، مَفَاعِيْلُنْ و فَعُولُنْ» به دست می‌آید. یعنی ساختار ستون ۱ جدول زیر. از ۶ رکن فوق، فقط **رکن ۳** «فاعِلَاتُنْ، فَعَلَاتُنْ و فَعُولُنْ» با ساختار ستون ۲ می‌باشند. همچنین از ۶ رکن فوق، فقط **رکن ۴** «فاعِلَاتُنْ، فَعَلَاتُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ و مَفَاعِيْلُنْ» با ساختار ستون ۳ می‌باشند.

**برای سهولت در حفظ کردن می‌توانیم با توجه به جدول فوق و ۱۳ وزن، رابطه‌های زیر را درست کنیم:**

- ۱ - «فاعِلَاتُنْ» در هر سه ساختار می‌آید.
- ۲ - «فَعَلَاتُنْ» در هر سه ساختار می‌آید.
- ۳ - «مُسْتَفْعِلُنْ» فقط با ساختار ستون ۱ می‌آید.



- ۴ - «مَفْتَعِلُنْ» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.  
 ۵ - «مَفَاعِلُنْ» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.  
 ۶ - «فَعُولُنْ» با دو ساختار ۱ و ۲ می‌آید.

ساختار ۱	سالم	سالم	سالم	هر ۶ رکن
ساختار ۲	سالم	سالم	مَحذوف	۳ رکن
ساختار ۳	سالم	مَحذوف	سالم	۴ رکن

پس این ۶ رکن را بشناسیم.

فاعِلَاتُنْ	ساختار ۱-۲-۳
فَعَلَاتُنْ	ساختار ۱-۲-۳
مُسْتَفْعِلُنْ	ساختار ۱
مُفْتَعِلُنْ	ساختار ۱-۳
مَفَاعِلُنْ	ساختار ۱-۳
فَعُولُنْ	ساختار ۱-۲

(ب) اوزان همسان دو لختی (دوری):

ابیاتی هستند که هر مصراع آن‌ها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری، رکن اوّل آن‌ها در رکن سوم، و رکن دوم آن‌ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکثی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دولختی یا دوری می‌گویند.  
 توجه: موارد ۵ و ۶ و ۷ در کتاب نیامده‌اند.

۱	ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ // مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ
۲	وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ // مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ
۳	زاهد خلوت‌نشین، دوش به میخانه شد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ
۴	با لب او چه خوش بود، گفت و شنید و ماجرا	مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۵	چندان که گفتم، غم با طیبیان	فَعْلُنْ فَعُولُنْ // فَعْلُنْ فَعُولُنْ
۶	به کجا رود کبوتر، چو اسیر باز باشد	فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ // فَعَلَاتُ فَاعِلَاتُنْ
۷	جهان فرتوت باز، جوانی از سر گرفت	مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ // مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ

(ج) اوزان ناهمسان

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آن‌ها را با برش‌های ۴ تا ۴ تا ۳، ۳ تا ۴ تا ۳ تا ۴ تا ۳ تا ۴ تا ... جدا کنیم، هیچ نظم خاصی در هجاهای آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی در مجموع آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتفاقاً در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همسان، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۱۱ مورد می‌باشند.

۱	ما گدایان خیل سلطانیم	فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
۲	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۴	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ
۵	ساقی به نور باده برافروز جام ما	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ
۶	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْل
۸	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع
۹	ماه فرو ماند از جمال محمد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَع
۱۰	بیا به شام غریبان و آب دیده من بین	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ
۱۱	رواق منظر چشم من آشیانه توست	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

**توجه:** چهار وزن اول ۳ رکن دارند. و هفت وزن دیگر ۴ رکن دارند.

**توجه:** وزن ۷ و ۸ وزن‌های رباعی می‌باشند.

**توجه:** وزن ۱۰ شبیه به اوزان دُوری است ولی وزن دُوری به حساب نمی‌آید.

**توجه:** بعضی اوزان ناهمسان را می‌توان به صورت همسان یا ناهمسان دیگر نیز تقسیم کرد. مثلاً در مثال ۶ اگر هجاها را با ترتیب دیگری دسته‌بندی و جدا کنیم، ارکان دیگری به دست می‌آید.

هَر	کَس	بِ	زَ	بَا	نِی	ص	فَا	تِ	حَم	دِ	تُ	گُو	یَد
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
بُل	بُل	بِ	غَ	زَل	خَا	نِی	یُ	قُم	رِی	بِ	تِ	رَا	نِ

پس از اعمال اختیارات شاعری به ساختار هجایی زیر می‌رسیم. تقطیع اول نظم همسان و تقطیع دوم نظم ناهمسان دارد. هر چند این بیت و موارد مشابه آن با نظم ناهمسان شهرت یافته و نام‌گذاری شده‌اند، اما نظم همسان آن‌ها بر نظم ناهمسان ترجیح دارد.

مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ  
 مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ

**موارد دیگر:**

سَا	قِی	بِ	نُو	رِ	بَا	دِ	بَ	رَف	رُو	زِ	جَا	مِ	مَا
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
مُط	رَب	بِ	گُو	کِ	کَا	رِ	جَ	هَانَ	شُدْ	بِ	کَا	مِ	مَا
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-

**وزن شعر نیمایی:** شعر کلاسیک ما غالباً مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیخ برای رهایی از تنگناهای عروضی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر - که نیاز روز جامعه بود - بپردازد. **نیمای قید و شرط تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت** و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد. برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی‌برگی

خنده‌اش خونی است اشک‌آمیز

جاودان بر اسبِ یال‌افشان زردش می‌چمد در آن

پادشاه فصل‌ها پاییز

U - / - - / - - فاعِلَاتُنْ فَعْ	باغ بی‌برگی
U - / - - / - - فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَعْ	خَن دِ آسْ خُو نِیسْ تَشْ کَا مِیزْ
U - / - - / - - U - / - - / - - فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَعْ	جَا وِ دَانِ بَرِ آسِ بِ یَا لَفْ شَا نِ زَرِ دَشْ مِی چَ مَدِ دَرِ آنِ
U - / - - / - - فاعِلَاتُنْ فَعْ	پَا دِ شَا هِ فَصَلْ هَا پَا یِیزْ

همانطور که می‌بینید شاعر در مصراعی ۱ فاعِلَاتُنْ، در مصراع دیگر ۲ فاعِلَاتُنْ و در مصراع دیگر ۴ فاعِلَاتُنْ آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و تعداد هجاهای برابر نباشد. **اما امکان تغییر وزن وجود ندارد.** مثلاً شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعِلَاتُنْ» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مَفَاعِلُنْ». توجه: کوتاه و بلندی مصراع‌های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مُسْتَزَاد» سروده شده است، توجه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد	دل برد و نهان شد
هر دم به لباس دگران یار برآمد	گه پیر و جوان شد
گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق	خود رفت به کشتی
گه گشت خلیل و به دل نار برآمد	آتش، گل از آن شد
یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی	روشنگر عالم
از دیده یعقوب چو انوار برآمد	تا دیده عیان شد
حقاً که هم او بود که اندید بیضا	می‌کرد شبانی
در چوب شد و در صفت مار برآمد	زان فخر کیان شد
می‌گشت دمی چند بر این روی زمین او	از بهر تفرج
عیسی شد و بر گنبد دوار برآمد	تسیح‌کنان شد
بالجمله هم او بود که می‌آمد و می‌رفت	هر قرن که دیدی
تا عاقبت آن شکل عرب‌وار برآمد	دارای جهان شد
منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت	آن دلبر زیبا

شمشیر شد و در کف کرّار برآمد  
نی نی که هم او بود که می‌گفت انالحق  
منصور نبود آن که بر آن دار برآمد  
رومی سخن کفر نگفته است و نگوید  
کافر بود آنکس که به انکار برآمد

قتال زمان شد  
در صوت الهی  
نادان به گمان شد  
منکر مشویدش  
از دوزخیان شد

۶۷- در بیت کدام گزینه یک هجا از آخرین پایه آوایی کاسته شده است؟

- ۱) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
- ۲) نگارا چرا قول دشمن شنیدی
- ۳) داد جاروبی به دست آن نگار
- ۴) مرا گر ز وصل تو رنگی برآید

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم  
چرا بهر دشمن ز چاکر بریدی  
گفت کز دریا برانگیزان غبار  
رها کن که نامم به ننگی برآید

۶۸- وزن کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) پیاده ندیدی که جنگ آورد
- ۲) بیابد هوس کردن از سر به در
- ۳) به سبزه کجا تازه گردد دلم
- ۴) آنچه دیدی برقرار خود نماند

سر سرکشان زیر سنگ آورد  
که دور هوس بازی آمد به سر  
که سبزه بخواهد دمید از گلم  
این چه بینی هم نماند برقرار

۶۹- بیت «ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون / عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم» با کدام بیت هم وزن است؟

- ۱) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
- ۲) به حسنِ حُلق و وفا کس به یار ما نرسد
- ۳) ز فراق چون نالم من دل شکسته چون نی
- ۴) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها

پیوند روح کردی پیغام دوست دادی  
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد  
که بسوخت بندبندم ز حرارت جدایی  
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها

۷۰- ابیات همه گزینه‌ها، به جز بیت گزینه ..... دارای وزن دولختی یا دوری هستند.

- ۱) از در خویشم مران کاین نه طریق وفاست
- ۲) ای کاش بر فتادی، برقع ز روی لیلی
- ۳) مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
- ۴) گفتم که نیاویزم با مار سر زلف

در همه شهری غریب در همه ملکی گداست  
تا مدعی نماندن مجنون مبتلا را  
که به پیمانۀ کشی شهره شدم روز السبت  
بیچاره فرو ماندم پیش لب ضحاکت

۷۱- شعر زیر از تکرار کدام وزن‌واژه تشکیل شده است؟

«ما/ فاتحان شهرهای رفته بر بادیم/ با صدایی ناتوان تر زان که بیرون آید از سینه/ راویان قصه‌های رفته از یادیم»

- ۱) فاعِلَاتُنْ
- ۲) مَفَاعِلُنْ
- ۳) فَعْلَاتُنْ
- ۴) مُسْتَفْعِلُنْ

۷۲- شعر زیر از تکرار کدام وزن درست شده است؟

«به سان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند/ گرفته کوله بار زاد ره بر دوش، فشرده چوب‌دست خیزان در مشت/ گهی پرگویی و گه خاموش/.....»

- ۱) فاعِلَاتُنْ
- ۲) مُسْتَفْعِلُنْ
- ۳) مَفَاعِلُنْ
- ۴) فَعُولُنْ

۷۳- وزن بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«آن را که بصیرت نبود، یوسف صدیق

- ۱) مُسْتَفْعِلُ فاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ فَعْلُ
- ۲) مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فاعِلُنْ
- ۳) مُسْتَفْعِلُنْ مَفَاعِلُ مُسْتَفْعِلُنْ فَعْلُ
- ۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ

جایی بفروشد که خریدار نباشد»

۲) مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فاعِلُنْ

۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ

## ۷۴- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟

- (۱) ویرانه آب و گل چون مسکن بوم آمد  
 (۲) ای گشته چنان و آن چنان تر  
 (۳) در شهر که دیده است چنین شهر بقی را  
 (۴) صد شعله آتش است در دیده
- این عرصه کجا شاید پرواز همایی را  
 هر جان که بدیده او چنین را  
 در بر که کشیده است سهیل و قمری را  
 از نکته دل که آتشین باشد

## ۷۵- وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟

- (۱) ای صوفیان عشق بدرید خرقه ها (مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ)  
 (۲) گنج در آستین و کیسه تهی (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ)  
 (۳) کان حسن تو پنهان شدنی نیست بیا (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْ)  
 (۴) سرمایه برفت و سود می جویم (مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُنْ)

## ۷۶- همه گزینه ها به جز گزینه ..... در مقابل آن درست نوشته شده است.

- (۱) سخن به لطف و کرم با درشت خوی مگوی (مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ)  
 (۲) امید عافیت آن گه بود موافق عدل (مَفَاعِلُنْ فَعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ)  
 (۳) ندهد مرد هوشمند جواب (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ)  
 (۴) پند گیر از مصائب دگران (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ)

## ۷۷- بیت کدام گزینه بر وزن «مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ» سروده شده است؟

- (۱) اندوه تو شد وارد کاشانه ام امشب  
 (۲) این که تو داری قیامت است نه قامت  
 (۳) آن که بود از غمش ناله ای بیماری ام  
 (۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- مهمان عزیز آمده در خانه ام امشب  
 وین نه تبسم که معجز است و کرامت  
 هیچ ندارد اثر در دل او زاری ام  
 ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

## ۷۸- وزن عروضی بیت زیر کدام است؟

- «گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار»  
 (۱) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ فَع لُنْ  
 (۲) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ  
 (۳) مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ
- صاحب دلان حکایت دل، خوش ادا کنند»

## ۷۹- پایه های آوایی کدام گزینه «مَفَاعِلُنْ فَعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ» است؟

- (۱) گرفت ساقی گلرخ به کف چو لاله پیاله  
 (۲) طبیب باد صبا را بگوی از ره مهر  
 (۳) ز محتاجان خبر گیر ای که داری  
 (۴) خود بین چنان شدی که ندیدی مرا به چشم
- پیاله از رخ ساقی گرفت پرتو لاله  
 که تا دوا کند این درد ناگهانی را  
 چراغ دولت و گنج و غنا را  
 پیش هزار دیده بینا چه می کنی؟

## ۸۰- کدام گزینه وزن شعر نیمایی زیر را به درستی نشان می دهد؟

«در تلاش شب که ابر تیره می بارد / روی دریای هراس انگیز / وز فراز برج بارانداز خلوت مرغ باران می کشد فریاد  
 خشم آمیز»

- (۱) مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع / مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع / مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع  
 (۲) فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع / فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع / فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَع  
 (۳) فَعِلَاتُنْ فَعِلَاتُنْ فَع / فَعِلَاتُنْ فَعِلَاتُنْ فَع / فَعِلَاتُنْ فَعِلَاتُنْ فَع  
 (۴) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع / مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع / مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع

### فصل نهم: نام‌گذاری اوزان

در نظام قدیم، نام‌گذاری اوزان شعر از مباحث مهم و سخت کنکور بود. با وجود این که در قسمت پاورقی کتاب آمده بود و تأکید کرده بودند که از آن سؤال طرح نمی‌شود، هر ساله ۲ سؤال کنکور و ۲ نمره امتحان نهایی به این مبحث اختصاص داده می‌شد. در کتاب‌های جدید هم به صورت بسیار مختصری به آن اشاره شده است و در تنها کنکور سراسری و در چند امتحان نهایی که از این کتاب طرح گردید، سؤالات بسیار آسانی مطرح شد. با این وجود ممکن است این آسان‌بودن سؤالات فقط مختص همین سال اول بوده باشد. برای جلوگیری از نوشتن مطالب غیر ضروری، من نیز در حد کتاب و امتحان نهایی و تنها کنکور برگزار شده‌ی آن و در حد همان اوزان همسان - که کتاب درسی نام آن‌ها را آورده است - به این مبحث می‌پردازم.

واحد شعر فارسی مصراع است **ولی برای نامگذاری، «بیت» واحد و ملاک نامگذاری است.** هر مصراع شعر فارسی ۲، ۳ یا ۴ رکن دارد. در نتیجه هر بیت ۴، ۶ یا ۸ رکن می‌شود.

شعر فارسی چهار رکن اصلی دارد: **فاعِلَاتُنْ (رَمَلْ)**، **مَفَاعِلَيْنْ (هَزَجْ)**، **مُسْتَفْعِلَيْنْ (رَجَزْ)** و **فَعُولُنْ (مُتَقَارِبْ)** اگر در یک بیت ۸ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْرٌ..... مُثَمَّنْ سالم**  
اگر در یک بیت ۶ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْرٌ..... مُسَدَّسْ سالم**  
و به ندرت اگر در یک بیت ۴ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْرٌ..... مُرْبَعْ سالم**  
در قسمت جای خالی نام رکنی را می‌آوریم که در شعر آمده است.

#### به نام اوزان زیر دقت کنید:

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد	هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر ندارد
<b>فاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ: بَحْرٌ رَمَلٌ مُثَمَّنْ سالم</b>	
ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود
<b>مُسْتَفْعِلَيْنْ مُسْتَفْعِلَيْنْ مُسْتَفْعِلَيْنْ مُسْتَفْعِلَيْنْ: بَحْرٌ رَجَزٌ مُثَمَّنْ سالم</b>	
بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
<b>مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ: بَحْرٌ هَزَجٌ مُثَمَّنْ سالم</b>	
دل من همی داد گفستی گواهی	که باشد مرا روزی از تو جدایی
<b>فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ: بَحْرٌ مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنْ سالم</b>	

**توجه:** همان طور که پیش از این خواندیم، ممکن است یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد. در این صورت به جای سالم، **مَحذوف** می‌نویسیم.

شعر زیر از چهار بار «فاعِلَاتُنْ» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ» درآمده است، لذا نام آن «**بَحْرٌ رَمَلٌ مُثَمَّنْ مَحذوف**» است.

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت  
و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

شعر زیر نیز از چهار بار «فَعُولُنْ» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُلْ» درآمده است و نام آن «**بَحْرٌ مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنْ مَحذوف**» است.

چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

شعر زیر از سه بار «مَفَاعِلَيْنْ» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ» درآمده است و چون «مَفَاعِلَيْنْ» با «فَعُولُنْ» هم‌وزن است، از «فَعُولُنْ» استفاده می‌کنیم که به گوش آشنا تر است. لذا وزن بیت زیر «مَفَاعِلَيْنْ مَفَاعِلَيْنْ فَعُولُنْ» می‌باشد و نام آن «**بَحْرٌ هَزَجٌ مُسَدَّسْ مَحذوف**» است.

به دریا بنگرم دریا تو بینم      به صحرا بنگرم صحرا تو بینم  
 شعر زیر از سه بار «فاعلاتن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» در آمده است و نام آن «بحر رمل مُسدّس محذوف» است.  
 خوش تر آن باشد که سیر دلبران      گفته آید در حدیث دیگران  
**نکته:** با توجه به درس نامه بسیار مختصر کتاب و با توجه به اوزان محدود کتاب، قاعدتاً نباید وزنی غیر از این ۸ وزن فوق در کنکور بیاید. در ذیل این ۸ وزن را با دسته بندی متفاوت مشاهده می فرمائید.

۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بحر رمل مُثَمَّن سالم
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بحر رمل مُثَمَّن محذوف
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بحر رمل مُسدّس محذوف
۴	مُستَفْعِلن مُستَفْعِلن مُستَفْعِلن مُستَفْعِلن	بحر رَجَز مُثَمَّن سالم
۵	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بحر هَزَج مُثَمَّن سالم
۶	مفاعیلن مفاعیلن فَعولن	بحر هَزَج مُسدّس محذوف
۷	فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن	بحر مُتقارب مُثَمَّن سالم
۸	فَعولن فَعولن فَعولن فَعَل	بحر مُتقارب مُثَمَّن محذوف

### آموزش نام گذاری اوزان به روش دیگر

۱- با توجه به این که واحد نام گذاری شعر فارسی، به تبعیت از عروض عربی «بیت» است، تعداد ارکان یک مصراع را می شماریم و آن را ضرب در ۲ می کنیم و با توجه به اینکه کمترین مصراع ۲ رکن و بیشترین مصراع ۴ رکن دارد، تعداد ارکان یک بیت ۴ (مربع)، ۶ (مُسدّس) یا ۸ (مُثَمَّن) می باشد.  
 ۲- با توجه به درس نامه کتاب، نام اوزانی را از شما می خواهند که در یک بحر سروده شده باشد. یعنی ابیاتی که وزن همسان دارند. و ارکان آنها یکی از چهار رکن اصلی است.

فاعلاتن: رَمَل  
 مفاعیلن: هَزَج  
 مُستَفْعِلن: رَجَز  
 فَعولن: مُتقارب

۳- اگر رکن پایانی مصراع به همین صورت باشد از لفظ «سالم» در پایان نام وزن استفاده می شود.  
 ۴- اگر ارکان پایانی مصراعها یک هجا کمتر از رکن اصلی داشت و به صورت محذوف بود، در پایان نام وزن از واژه «محذوف» استفاده می شود.

فاعلاتن ← فاعلن (محذوف)      مفاعیلن ← فَعولن (محذوف)      فَعولن ← فَعَل (محذوف)

- U -      - - U      - - U      - - - U      - U -      - - U -

**توجه:** مُستَفْعِلن رکن محذوف ندارد.

### نام گذاری مفصل تر و حرفه ای تر (برای مطالعه)

این قسمت در کنکور نمی آید.

کتاب درسی به نام گذاری اوزانی پرداخته است که یا کاملاً از ارکان اصلی هستند (سالم) و یا فقط در رکن پایانی یک هجا حذف شده است (محذوف). اما شعر فارسی اوزانی دارد که از ارکانی غیر از ارکان اصلی یا محذوف آنها ساخته شده اند. به وزن مصراعهای زیر دقت کنید:



کجا دانند حال ما سبک باران ساحل‌ها	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
الهی سینه‌ای ده آتش افروز	مفاعیلن مفاعیلن فعولن
ای نام تو بهترین سرآغاز	مفعول مفاعیلن فعولن
شخصی به هزار غم گرفتارم	مفعول مفاعیلن مفاعیلن
تا کی به تمنای وصال تو یگانه	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن
ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع
ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعل

برای نام‌گذاری اوزانی که جزء اوزان همسان نیستند و ارکان مختلفی در آن‌ها به کار رفته است، باید نام هر رکن را بدانیم. چهار رکن فاعلاتن (رمل)، مفاعیلن (هزج)، مستفعیلن (رجز) و فعولن (مُتقارب)، ارکان اصلی شعر فارسی هستند. با تغییر در هجاهای آن‌ها ارکان دیگری حاصل می‌شود که هر کدام نام مخصوصی دارند.

←	---	U	←	اگر هجای پایانی را حذف کنیم. U -- (فعولن)
←	---	U	←	اگر هجای پایانی را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U -- U (مفاعیلن)
←	---	U	←	اگر هجای سوم را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U -- U (مفاعیلن)
←	---	U	←	اگر هجای اول را حذف کنیم و هجای پایانی را کوتاه کنیم. U -- (مفعول)
←	---	U	←	اگر دو هجای پایانی را حذف کنیم. U -- (فعل)
←	---	U	←	اگر هجای اول و دو هجای آخر را حذف کنیم. -- (فع)

به این رکن‌های حاصل شده از هزج، «زحافات هزج» می‌گویند و هر کدام نامی دارند.

ارکان اصلی «فاعلاتن، مستفعیلن و فعولن» نیز زحافات دارند که در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

زحافات مفاعیلن	زحافات فاعلاتن	زحافات مستفعیلن	زحافات فعولن
U --- مفاعیلن: هزج	U -- فاعلاتن: رمل	U -- مستفعیلن: رجز	U -- فعولن: مُتقارب
U -- فعولن: مَحذوف	U -- فاعیلن: مَحذوف	U U -- مُفتعیلن: مطوی	U -- فعل: مَحذوف
U -- مفاعیلن: مکفوف	U -- فاعلاتن: مکفوف	U -- مفاعیلن: مخبون	-- فعل: ائلم
U -- مفاعیلن: مقبوض	U U -- فاعلاتن: مخبون	-- مفعولن: مقطوع	
U -- مفعولن: آخرب	U U -- فاعلاتن: مشکول		
-- مفعولن: آخرم	U U -- فاعیلن: مخبون مَحذوف		
U -- فعل: محبوب	-- فع: منحور		
-- فع: ابتر			

در نام‌گذاری اشعاری که از این زحافات در آن‌ها استفاده شده است، به روش زیر عمل می‌کنیم.

- ۱- ابتدا رکن اصلی مصرع را تشخیص می‌دهیم. (ارکان اصلی: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعیلن و فعولن)
- ۲- تعداد رکن هر بیت (هزج، مسدس و مثنی)
- ۳- آوردن نام زحافات به ترتیب (بدون تکرار)



اوزانی که از رکن مفاعیلن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بَحْر هَزَج مُتَمَّن سَالِم
۲	مفاعیلن مفاعیلن فَعُولُن	بَحْر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف
۳	مفعول مفاعیل مفاعیل فَعُولُن	بَحْر هَزَج مُتَمَّن أَحْرَب مَكفوف مَحذوف
۴	مفعول مفاعیلن فَعُولُن	بَحْر هَزَج مُسَدَّس أَحْرَب مَقبوض مَحذوف
۵	مفعول مفاعیل مفاعیلن فَع	بَحْر هَزَج مُتَمَّن أَحْرَب مَكفوف أَبتر
۶	مفعول مفاعیل مفاعیل فَعَل	بَحْر هَزَج مُتَمَّن أَحْرَب مَكفوف مَجبوب

اوزانی که از رکن فاعلاتن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بَحْر رَمَل مُتَمَّن سَالِم
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعِلُن	بَحْر رَمَل مُتَمَّن مَحذوف
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعِلُن	بَحْر رَمَل مُسَدَّس مَحذوف
۴	فَعَلَاتُن فَعَلَاتُن فَعَلَاتُن	بَحْر رَمَل مُتَمَّن مَخبون
۵	فَعَلَاتُن فَعَلَاتُن فَعِلُن	بَحْر رَمَل مُتَمَّن مَخبون مَحذوف
۶	فَعَلَاتُن فَعَلَاتُن فَعِلُن	بَحْر رَمَل مُسَدَّس مَخبون مَحذوف
۷	فَعَلَاتُ فاعلاتن فَعَلَاتُ فاعلاتن	بَحْر رَمَل مُتَمَّن مَشکول

**توجه:** نام رکن «فَعِلُن»، «مَخبون مَحذوف» است. در موارد فوق چون برای رکن «فَعَلَاتُن»، «مَخبون» را نوشته بودیم، برای «فَعِلُن»، فقط «مَحذوف» را می‌نویسیم.

اوزانی که از رکن مُسْتَفْعِلُن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن	بَحْر رَجَز مُتَمَّن سَالِم
۲	مُفْتَعِلُن مُفْتَعِلُن مُفْتَعِلُن	بَحْر رَجَز مُتَمَّن مَطوئی
۳	مُفْتَعِلُن مفاعیلن مُفْتَعِلُن مفاعیلن	بَحْر رَجَز مُتَمَّن مَطوئی مَخبون

اوزانی که از رکن فَعُولُن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن	بَحْر مُتَقَارِب مُتَمَّن سَالِم
۲	فَعُولُن فَعُولُن فَعَل	بَحْر مُتَقَارِب مُتَمَّن مَحذوف
۳	فَعَلُن فَعُولُن فَعَلُن فَعُولُن	بَحْر مُتَقَارِب مُتَمَّن أَثَلَم

رکن مفعولات (U - -) نیز از ارکان اصلی است و در یکی دو وزن از زحافات آن استفاده شده است.

U - U - فاعلاتن: مطوئی

U - فاعِلُن: مطوئی مکشوف

- فَع: منحور

اکنون که زحافات ارکان اصلی را آموختیم، تا این جا می‌توانیم اوزان را در سه دسته جای بدهیم.

- ۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.
- ۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن محذوف آن هستند.
- ۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.

اکنون به وزن مصراع‌های زیر دقت کنید:

۱	ما بی‌غمانِ مستِ دل از دست داده‌ایم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُ فَاعِلُنْ
۲	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُنْ
۳	با دوستان مروّت با دشمنان مدارا	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ
۴	ما گدایان خیل سلطانیم	فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
۵	چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید	مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ
۶	بیا بیا که مرا با تو ماجرابی هست	مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
۷	عشق محمد بس است و آل محمد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتٍ مُفْتَعِلُنْ فَعْ
۸	زاهد خلوت نشین، دوش به میخانه شد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ
۹	قصّه عشقم همه عالم گرفت	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ

با کمی دقت در این اوزان درمی‌یابیم که این اوزان در سه دسته فوق جای ندارند و این‌ها اوزانی هستند که از زحافات ۲ رکن اصلی حاصل شده‌اند. مثلاً «مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُنْ» هم از زحافات «مَّفَاعِيلُنْ» دارد و هم از زحافات «فَاعِلَاتُنْ». برای نام‌گذاری این اوزان باید نام ترکیب حاصله از دو رکن را بدانیم. در اوزان خوش‌آوا و معروف این رکن‌ها با هم ترکیب شده‌اند.

۱- مَّفَاعِيلُنْ + فَاعِلَاتُنْ: مُضَارِعْ

۲- مُسْتَفْعِلُنْ + فَاعِلَاتُنْ: مُجْتَثْ

۳- مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولَاتٍ: سَرِيعْ

۴- فَاعِلَاتُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَاعِلَاتُنْ: خَفِيفْ

۵- مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولَاتٍ: مُنْسَرِحْ

۶- فَاعِلَاتُنْ مُسْتَفْعِلُنْ: غَرِيبْ

اوزان ترکیبی در شش دسته فوق جای دارند. برای نام‌گذاری آن‌ها به مانند قبل عمل می‌کنیم ولی به جای استفاده از «رَمَلْ، هَزَجْ، رَجَزْ و مُتَقَارِبْ» از شش اصطلاح فوق استفاده می‌کنیم.

۱	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُ فَاعِلُنْ	بَحْرُ مُضَارِعِ مُثَمَّنِ أَخْرَبِ مَكْفُوفِ مَحْذُوفِ
۲	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُنْ	بَحْرُ مُضَارِعِ مُثَمَّنِ أَخْرَبِ مَكْفُوفِ
۳	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ	بَحْرُ مُضَارِعِ مُثَمَّنِ أَخْرَبِ
۴	مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ	بَحْرُ مُجْتَثِ مُثَمَّنِ مَخْبُونِ
۵	مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ	بَحْرُ مُجْتَثِ مُثَمَّنِ مَخْبُونِ مَحْذُوفِ
۶	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ	بَحْرُ مُنْسَرِحِ مُثَمَّنِ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ
۷	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتٍ مُفْتَعِلُنْ فَعْ	بَحْرُ مُنْسَرِحِ مُثَمَّنِ مَطْوِيٍّ مَنْحُورِ
۸	فَعْلَاتُنْ مَّفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ	بَحْرُ خَفِيفِ مُسَدَّسِ مَخْبُونِ مَحْذُوفِ
۹	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ	بَحْرُ سَرِيعِ مُسَدَّسِ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ

**توجه:** در مورد ۶ «فاعِلْن»، «مَطوَى مَكشوف» است.

**اکنون پس از یادگیری اوزان ترکیبی، در می‌یابیم که انواع اوزان چهار دسته‌اند:**

- ۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.
- ۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن مَحذوف آن هستند.
- ۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.
- ۴- اوزانی که از ۲ رکن اصلی یا زحافات آن‌ها حاصل شده‌اند.

**توجه:** این اصطلاحات، حاصل اتفافی است که بر سر هر یک از ارکان اعمال می‌شود.

مَحذوف	حذف	حذف هجای آخر از رکن‌های فاعِلَاتْن، مَفَاعِلِن، فَعُولِن	۱
مَحْبُون	حَبْن	تبدیل هجای بلند اول به هجای کوتاه از ارکان فاعِلَاتْن و مُسْتَفْعِلِن	۲
مَكشوف	كَفَّ	تبدیل هجای بلند آخر به هجای کوتاه در ارکان فاعِلَاتْن و مَفَاعِلِن و مُسْتَفْعِل	۳
مَشْکُول	شَکْل	اعمال حَبْن و کَفَّ در یک رکن	۴
أَحْرَب	حَرَب	تبدیل مَفَاعِلِن به مَفْعُول	۵
مَجْبُوب	جَبَّ	تبدیل مَفَاعِلِن به فَعْل	۶
مَقْبُوض	قَبْض	تبدیل مَفَاعِلِن به مَفَاعِلِن	۷
أَحْرَم	حَرَم	تبدیل مَفَاعِلِن به مَفْعُولِن	۸
أَزَلَّ	زَلَّلَّ	باقی ماندن فاع از مَفَاعِلِن	۹
أَبْتَر	بَتَر	باقی ماندن فَع از مَفَاعِلِن	۱۰
أَنْلَم	نَلَم	باقی ماندن فَعْلِن از فَعُولِن	۱۱
مَنْحُور	نَحْر	باقی ماندن فَع از مَفْعُولَات	۱۲
مَطوَى	طَى	تبدیل مَفْعُولَات به فاعِلَات و مُسْتَفْعِلِن به مُفْتَعِلِن	۱۳
مَطوَى مَكشوف	طَى و كَشَف	تبدیل مَفْعُولَات به فاعِلِن	۱۴
مَقْطُوع	قَطْع	تبدیل مُسْتَفْعِلِن به مَفْعُولِن	۱۵

۸۱- نام وزن رو به روی کدام مصراع به تمامی درست است؟

- (۱) عشق هر جا شوید از دل‌ها غبار رنگ را (رَمَلْ مُثَمَّنْ سالم)
- (۲) همی دارد خمارم در بلاها (هَزَجْ مُثَمَّنْ مَحذوف)
- (۳) به عجزی که داری قوی کن میان را (مُتَقَارِبْ مُثَمَّنْ مَحذوف)
- (۴) ای غافل از رنج هوس آیینه پردازی چرا (رَجَزْ مُثَمَّنْ سالم)

۸۲- وزن‌های عروضی «رَجَزْ مُثَمَّنْ سالم - هَزَجْ مُثَمَّنْ سالم - مُتَقَارِبْ مُثَمَّنْ مَحذوف» به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- الف) اگر کار بوده است و رفته  
ب) نه هر کو نقش نظمی زد کلامش دل‌پذیر افتد  
ج) من عاشق تنهایی‌ام، سرگشته شیدایی‌ام
- (۱) ج - الف - ب (۲) ج - ب - الف (۳) ب - الف - ج (۴) الف - ج - ب

۸۳- نام وزن کدام گزینه در کمانک رو به روی آن نادرست است؟

- (۱) نه از آن حالتیست ای عاقل
  - (۲) ز روز گذر کردن اندیشه کن
  - (۳) با من بگو تا کیستی؟ مهربی بگو، ماهی بگو
  - (۴) به هر نغمه که خسرو ساز می‌داد
- که در او عقل کس بدید آید (رَمَلْ)  
پرستیدن دادگر پیشه کن (مُتَقَارِبْ)  
خوابی خیالی چیستی؟ اشکی بگو، آهی بگو (رَجَزْ)  
جوابش هم به نکته باز می‌داد (هَزَجْ)

۸۴- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست است؟

- «چون کمان در بازو آرد سرو قدّ سیم‌تن  
آرزویم می‌کند کاماج باشم تیر را»
- (۱) فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سالم)  
(۲) مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سالم)  
(۳) فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)  
(۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سالم)

۸۵- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «دوست می‌دارم من این نالیدن دل‌سوز را  
تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را»
- (۱) فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سالم)  
(۲) مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سالم)  
(۳) فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ، فاعِلَاتُنْ (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)  
(۴) مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)

۸۶- نام وزن کدام بیت «رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سالم» است؟

- (۱) گر بنوازی به لطف و بگدازی به قهر  
(۲) چندان دعا کن در نهان چندان بنال اندر شبان  
(۳) آن به که نظر باشد و گفتار نباشد  
(۴) زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل

۸۷- کدام بیت در بحر «رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سالم» سروده شده است؟

- (۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست  
(۲) آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار  
(۳) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان  
(۴) ای رستخیز ناگهان وی رحمت بی‌منتها

۸۸- نام وزن همه بیت‌ها به جز «رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ» ..... است.

- (۱) شب همه شب انتظارِ صبحرویی می‌رود  
(۲) وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طنّاز را  
(۳) یارِ بار افتاده را در کاروان بگذاشتند  
(۴) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار

۸۹- کدام ابیات به ترتیب در بحر «مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنٌ سالم»، «هَزَجٌ مُسَدَّسٌ مَحذُوفٌ» و «رَمَلٌ مُسَدَّسٌ مَحذُوفٌ» سروده شده‌اند؟

- (الف) فرو بریم دست دزد غم را  
(ب) بگویم مثالی از این عشق سوزان  
(ج) رو جوان‌مردی کن و رحمت فشان  
(۱) ب - الف - ج (۲) ب - ج - الف (۳) الف - ب - ج (۴) الف - ج - ب
- که دزدیده است عقل صد زبون را  
یکی آتشی در نهانم فروزان  
من به رحمت بس جوان‌مردم تو را

## فصل دهم: قافیه

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ - ردیف ۳ - حروف قافیه ۴ - قواعد قافیه ۵ - قافیه درونی ۶ - ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- **قافیه:** واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

هزار جهد بکردم که سرّ عشق پیوشم  
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم  
نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم  
شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم

۲- **ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.

شب عاشقان بی دل، چه شبی دراز باشد!  
عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت  
تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد  
به کجا رود کیوتر، چو اسیر بار باشد

**توجه:** کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

گلاب است گویی به جویش روان  
رونده، صفت فاعلی  
همی زنده گردد ز بویش، روان  
روان و روح آدمی

۳- **حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.

ما، در خلوت به روی خلق ببستیم  
از همه باز آمدیم و با تو نشستیم  
«ستیم» در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.

**توجه:** کتاب‌های نظام جدید توضیحی درباره حروف مشترک قافیه نداده است در حالی که دانستن حروف اصلی و حروف الحاقی بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است که قافیه ممکن است الحاقیاتی داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه شده باشند. مانند شناسه «یم» در بیت فوق.

به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خودِ واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند.

به مجموع این دو (حروف اصلی و حروف الحاقی)، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.

واژه‌های قافیه: ببستیم و نشستیم؛ حروف مشترک «ستیم»؛ حروف اصلی «ست» و حروف الحاقی «یم».

بیا، بیا که مرا با تو ماجرای هست  
بگو اگر گنهی رفت و گر خطایی هست

واژه‌های قافیه: ماجرای، خطایی  
حروف مشترک: «بی»

حروف الحاقی: «بی»  
حروف اصلی: «ا»

**توجه:** مشخص است اگر واژه‌های قافیه، حرف یا حروف الحاقی نداشته باشند، حروف مشترک و حروف اصلی یکسان خواهند بود.

۴- **قواعد قافیه:** حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه شدن دو واژه، تابع دو قاعده است. (قواعد قافیه، مهمترین قسمت مبحث قافیه است.)

**قاعده ۱:** برای قافیه شدن ۲ واژه، اشتراک چند واج لازم است، ولی طبق «قاعده ۱» هر کدام از مصوت‌های بلند «ا» یا «و» به تنهایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را  
که به لطف پادشاهی، ز نظر مَران گدا را

ردیف: «را»

واژه‌های قافیه: «دعا» و «گدا»

حروف مشترک: «ا»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «ا»

قاعده: ۱

ای چشم تو، دل فریب و جادو در چشم تو، خیره، چشم آهو

ردیف: ندارد

واژه‌های قافیه: «جادو» و «آهو»

حروف مشترک: «و»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «و»

قاعده: ۱

همان‌طور ملاحظه می‌شود. حروف مشترک دو بیت فوق فقط یک واج است.

**قاعده ۲:** یک مصوت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد.

اگر واژه‌های قافیه به مصوت‌های بلند «ا» و «و» (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم‌قافیه شوند.

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

ردیف: ندارد

واژه‌های قافیه: «بگذریم» و «بنگریم»

حروف مشترک: «ریم»

حروف الحاقی: «یم»

حروف اصلی: «ر»

قاعده: ۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک «ر» می‌باشد، یعنی یک مصوت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند.

شب فراق که داند که تا سحر چند است؟ مگر کسی که به زندان عشق، در بند است

ردیف: «است»

واژه‌های قافیه: «چند» و «بند»

حروف مشترک: «ند»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «ند»

قاعده: ۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک «ند» می‌باشد. یعنی یک مصوت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

**نکته:** در قاعده ۲، مصوت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوت می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در مثال زیر مصوت‌های قافیه‌ساز واژه‌های قافیه متفاوت است.

سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف منظری

می‌روی و مقابلی، غایب و در تصویری

آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم

گفتم اگر نبینمت، مهر فراموشم شود

**۵- قافیه درونی:** بعضی شاعران برای غنی تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند. مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «**خنده**» و «**پاینده**» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصرع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «**زنده**» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است. به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجه کنید.

ای ساریان آهسته ران، کآرام **جانم** می‌رود  
من مانده‌ام **مه‌جور** از او، بیچاره و **رنجور** از او  
گفتم به نیرنگ و **فسون**، پنهان کنم ریش **درون**  
محمل بدار ای **ساروان**، تندی مکن با **کاروان**  
او می‌رود **دامن‌کشان**، من زهر تنهایی **چشان**  
و آن دل که با خود داشتم، با **دلستانم** می‌رود  
گویی که نیشی **دور** از او، در **استخوانم** می‌رود  
پنهان نمی‌ماند که **خون**، بر **آستانم** می‌رود  
کز عشق آن سرو **روان**، گویی **روانم** می‌رود  
دیگر مپرس از من **نشان**، کز دل، **نشانم** می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «**جانم**، **دلستان**، **استخوانم**، **آستانم**، **روانم** و **نشانم**» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیر ضروری را «**قافیه درونی**» می‌گویند.

**توجه:** کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند. **۶- ذوقافیتین:** بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصرع را هم‌قافیه کرده‌اند. این ابیات را «**ذوقافیتین**» می‌گویند.

گزید از غنیمت **طرایف بسی** کزان سان نبیند **طرایف کسی**  
برای سالم بودن قافیه بیت فوق، وجود دو واژه‌ی «**بسی**» و «**کسی**» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آن‌ها (طرایف و طرایف) را نیز هم‌قافیه کرده است.  
**توجه:** قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصرع‌هاست (یعنی؛ **بسی** و **کسی**).

**نکته:** قافیه مبحثی شنیداری است ولی **شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد**. لذا هم‌قافیه کردن کلماتی مانند: «عزیز و حسیض» «بساط و حیات» «گناه و مزاح» و ... صحیح نمی‌باشد.  
**توجه:** با توجه به اینکه این جزوات در اختیار شاعران و دیگر علاقه‌مندان ادبیات فارسی قرار می‌گیرد، ذکر این نکته ضروری است که؛ در شعر امروز این قافیه خطی گاه رعایت نشده است. **ولی برای کنکور و امتحان، قوانین شعر کلاسیک ملاک است نه قوانینی که شعر مُدرن و پُس‌مُدرن به ارمغان آورده‌اند.**

### ۷- قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود. از تهی سرشار، جویبار لحظه‌ها جاری است.

چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ،

دوستان و دشمنان را می‌شناسم **من**

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را **دشمن**

وای، اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن خواهم از او **التجا بردن**

جویبار لحظه‌ها جاری



**نکته:** همان‌طور گفته شد شاعر نمی‌تواند دو واژه یکسان را در پایان مصراع‌ها به‌عنوان قافیه بیاورد ولی اگر معنای آن دو متفاوت باشد، نه تنها عیب نیست بلکه حُسن نیز محسوب می‌شود و آرایه‌ی «جناس تام» می‌سازد.

خرامان بشد سوی آب روان / روانده، جاری  
چنان چون شده، باز جوید روان / روح و روان  
آتش است این بانگ و نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد، نیست باد  
باد نیست / نابود بشود

**توجه:** مبحث قافیه نکات بسیار ضروری دیگر دارد ولی چون این جزوه ماهیت کنکوری دارد، و در کتاب نظام جدید آن مطالب نیامده است و به تبع آن در کنکور نیز نباید بیاید، برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان و پرهیز از افزودن مطالب غیر ضروری از آوردن آن‌ها خودداری کردم.

علاقمندان به این مبحث می‌توانند در کانال تخصصی بنده این مطالب را پیگیری کنند.

**نکته بسیار مهم:** در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما - به جز موارد بسیار معدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصور می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقت داشت که این واژگان در قدیم تلفظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجه به تلفظ زمان خود، دو واژه را هم‌قافیه کرده است. چنان‌چه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفظ قدیم آن‌ها «شَس» و «خَس» بوده، در شعر زیر هم‌قافیه کرده است.

در آن سالی که ما را بخت، خوش بود / ز هجرت ششصد و پنجاه شش بود  
۹۰- الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

۱) نکونام و صاحب‌دل و حلق‌پرست  
۲) مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست  
۳) چنین است رسم سرای درشت  
۴) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت  
خط عارضش خوشتر از خط دست  
هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست  
گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت  
چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

۹۱- نوع قاعده قافیه در چند بیت به درستی مشخص شده است؟

الف) خواجه بیا، خواجه بیا، خواجه دگر بار بیا  
ب) حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو، دیوانه شو  
پ) شب قدر است جسم تو کز او یابند دولت‌ها  
ت) تا نقش خیال دوست با ماست  
ث) الا ای شاه یغمایی، شدم پر شور و شیدایی

۱) دو (۲) یک (۳) چهار (۴) سه

۹۲- چند بیت از ابیات زیر، بیش از یک قافیه پایانی دارد؟

الف) هر تیر ستم که از کمان جست  
ب) از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم  
پ) تا چند زند نرگس مستت تیرم  
ت) گفت او گر ابله‌م من در ادب  
ث) اشکی که همه تگرگ راند بارم  
ج) زین سبب بر انبیا رنج و شکست

۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) پنج

۹۳- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

۱) چون در بصر خلقی گویی تو پر از زرقی  
۲) ذاتت عسل است ای جان گفتت عسلی دیگر  
۳) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده  
۴) ای شمس شهر ما لطفی به ما نما

ای آن که تو هم غرقی در خون دل من تر  
ای عشق تو را در جان هر دم عملی دیگر  
چون شمع فروزنده تا روز مشین از پا  
دل خواهد از شما وصف خدایی اش



۹۴- در همه ابیات قاعده قافیه یکسان است و جناس در بیت وجود دارد، به جز گزینه .....  
 (۱) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست  
 (۲) صلاح از ما چه می جویی که مستان را صلا گفتیم  
 (۳) سرم خوش است و به بانگ بلند می گویم  
 (۴) ای قباي پادشاهی راست بر بالای تو

۹۵- الگوی قافیه در کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟  
 (۱) ما ز یاران چشم یاری داشتیم  
 (۲) آسوده خاطر م که تو در خاطر منی  
 (۳) ما در خلوت به روی خلق بستیم  
 (۴) به غیر آنکه بشد دین و دانش از دستم

خود غلط بود آن چه می پنداشتیم  
 گر تاج می فرستی و گر تیغ میزنی  
 از همه باز آمدیم و با تو نشستیم  
 بیا بگو که ز عشقت چه طرف برستم؟

روز وصل دوستداران یاد باد  
 نشود فاش کسی آنچه میان من و دوست  
 هنوز از دهن بوی شیر آیدش  
 آتش است این بانگ نای و نیست باد

۹۶- در کدام گزینه ردیف وجود ندارد؟

یاد باد آن روزگاران یاد باد  
 تا اشارات نظر نامه رسان من و دوست  
 همی رای شمشیر و تیر آیدش  
 هر که این آتش ندارد نیست باد

روز وصل دوستداران یاد باد  
 نشود فاش کسی آنچه میان من و دوست  
 هنوز از دهن بوی شیر آیدش  
 آتش است این بانگ نای و نیست باد

۹۷- همه ابیات به جز بیت گزینه ..... دارای قافیه درونی هستند.

در سینه دارم یاد او یا بر زانم می رود  
 آتش زدی در عود ما نظاره کن در دود ما  
 روضه امید تویی راه ده ای یار مرا  
 مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ کشت مرا

(۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی بنیاد او  
 (۲) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما  
 (۳) حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی  
 (۴) رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

۹۸- از میان گروه‌واژه‌های زیر چند گروه نمی‌توانند هم قافیه باشند؟

(موسی - سرا) (سهل - رحل) (سِر - مُصر) (من - چمن) (دستی - رفتی) (تو - جو) (بیافت - نتافت)  
 (دهشت - دشت) (زنده - مرده)

(۱) پنج (۲) چهار (۳) هفت (۴) شش

۹۹- قاعده قافیه ابیات کدام گزینه با یکدیگر یکسان نیست؟

در آهنگ و در کینه ابر بلاست  
 از آن برز و بالا و اورنگ او  
 به یک ره بر آمد ز هر دو غریو  
 که ابر از بخارش به بالا شود  
 ترا کین پیشین نبایست خواست

(الف) که آن ترک در جنگ، نر اژدهاست  
 (ب) جهان خیره ماند ز فرهنگ او  
 (ج) بدیشان نبد ز آتش مهر تیو  
 (د) بیابان از آن آب، دریا شود  
 (ه) به من داده بودند و بخشیده راست

(۱) ب - ج (۲) ب - د (۳) الف - د (۴) ه - ج

۱۰۰- قاعده قافیه کدام بیت متفاوت است؟

گر چه پندارد که آن خود قوت اوست  
 پس جهان بی فایده آخر چراست  
 این دوم فانی است و آن اول درست  
 بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

(۱) چون کسی کواز مرض گل داشت دوست  
 (۲) ور سوالت را بسی فایده هاست  
 (۳) کشت نو کارید بر کشت نخست  
 (۴) ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس

### تست جامع عروض

(سراسری داخل ۹۸)

از تو نباشد که نداری نظیر  
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشدند  
نه ز روح است و نه از روحانی است  
غم جان من بیچاره خوردی

(سراسری داخل ۹۸)

ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم  
بی طمع شد ز اشتر آن یار و خویش  
کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد  
هر دو چشم خویش را نیکو بمال

(سراسری داخل ۹۸)

مباد کآتش محرومی آب ما ببرد»  
(۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند  
(۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

(سراسری داخل ۹۸)

نیست ز روزن دگر روشنی این سرای را  
نیست به سرمه حاجت آن چشم جنون فزای را  
غوطه به زهر می دهد طوطی خوش نوای را  
چند پر از نفس دهم آه شکسته پای را

(سراسری داخل ۹۸)

من خود ز نظر در قد و بالای تو مستم»  
(۲) مَفْعُولُ مَفَاعِيلُ مَفَاعِيلُ فَعُولُنْ  
(۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِيلُنْ فَعْ

(سراسری داخل ۹۸)

۱) مرا مهر سیه چشمان زیر سر بیرون نخواهد شد: هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند: رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی: هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ  
۴) آشفته خاطر کرده ام جمعیت عشاق را: رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ

(سراسری داخل ۹۸)

بر که توان نهاد دل تا ز تو واستانمش  
نه صبر در فراقش زین بیشتر توان کرد  
گر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش  
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

(۴) ج - د

(۳) ب - د

(۲) الف - ج

(۱) الف - ب

۱۰۱- قافیه در همه ابیات درست است به جز:

(۱) از همه باشد به حقیقت گزیر  
(۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند  
(۳) گر چه آتش نیز هم جسمانی است  
(۴) تو آنچ از تو سزد گفتمی و کردی

۱۰۲- قافیه در کدام بیت نادرست است؟

(۱) من کی ام آن را که شرح آن دهم؟  
(۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش  
(۳) مر مرا اینجا شکایت شکر شد  
(۴) می نماید مار اندر چشمم، مال

۱۰۳- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می شود به جز: ...

«گذار بر ظلمات است خضر راهی کو

(۱) ابدال

(۳) حذف همزه

۱۰۴- در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر مصوت کوتاه به بلند و تغییر مصوت بلند به کوتاه» صورت گرفته است؟ (سراسری داخل ۹۸)

(۱) داغ محبت است و بس خانه فروز جان و دل  
(۲) باده عقل سوز را داروی بیهوشی مزن  
(۳) آن شکرین لبی که من ناله از او چو نی کنم  
(۴) سوخت بساط هستیم ریخت بنای طاقتم

۱۰۵- وزن بیت زیر، کدام است؟

«ای ساقی از آن پیش که مستم کنی از می

(۱) مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ فَعْ

(۳) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ فَعْ

۱۰۶- نام وزن مقابل کدام مصرع، درست است؟

(۱) مرا مهر سیه چشمان زیر سر بیرون نخواهد شد: هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
(۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند: رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
(۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی: هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ  
(۴) آشفته خاطر کرده ام جمعیت عشاق را: رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ

۱۰۷- کدام دو بیت را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟

الف) دست به جان نمی رسد تا به تو برفشانمش  
ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد  
ج) من نمی گویم که عاقل باش یا دیوانه باش  
د) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست

۱۰۸- وزن کدام بیت با «تو قدر آب چه دانی که در میان فراتی» یکسان است؟ (سراسری داخل ۹۸)

- ۱) هر آن کست که ببیند روا بود که بگوید
- ۲) هزار نقد به بازار کاینات آرند
- ۳) اگر روم ز پییش فتنه‌ها برانگیزد
- ۴) برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گوی

۱۰۹- وزن مقابل کدام مصراع، درست است؟ (سراسری داخل ۹۸)

- ۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعِلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ
- ۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده‌ام: فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ
- ۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
- ۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردان بی حاصل: مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

۱۱۰- وزن مصراع‌های زیر، به ترتیب کدام است؟ (سراسری داخل ۹۸)

«صبح خواهد شد / و به این کاسه آب / آسمان هجرت خواهد کرد»

- ۱) فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعْلَاتْنُ فَعْ، فاعِلَاتْنُ مَفْعُولُنْ فَعْ
- ۲) فاعِلَاتْنُ فَعْ، فَعْلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْ
- ۳) فاعِلَاتْنُ فَعْ، فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْ
- ۴) فَعْلَاتْنُ فَعْ، فَعْلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعْلَاتْنُ فَعْلَاتْنُ فَعْلُنْ

۱۱۱- در همه ابیات قافیه درست است؛ به جز: (سراسری خارج ۹۸)

- ۱) خویشتن را عارف و واله گُنی
- ۲) ناگهان تمثال گرگ هِشتمه‌ای
- ۳) گفت یک گوشه است آن باغبان
- ۴) گر میسر کردن حق ره بُدی

۱۱۲- در کدام بیت، قافیه «غلط» است؟ (سراسری خارج ۹۸)

- ۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست
- ۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۳) سر از گوی صورت به معنی کشید
- ۴) به نزدیک من شبرو راهزن

۱۱۳- در همه ابیات تغییر مصوت بلند به کوتاه وجود دارد؛ به جز: (سراسری خارج ۹۸)

- ۱) تاتار هجر کرد سیاهی و عنبری
- ۲) اندر دلم ز غمزه غمّازه فتنه هاست
- ۳) ساقی و سر دهی ز لب یارم آرزوست
- ۴) تا سوی گلشن طرب آیم خراب و مست

۱۱۴- بیت زیر، فاقد کدام اختیارات شاعری است؟ (سراسری خارج ۹۸)

- «طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق»
- ۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب
  - ۲) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، ابدال
  - ۳) حذف همزه، بلند بودن هجای پایان مصراع
  - ۴) حذف همزه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

۱۱۵- وزن بیت زیر، کدام است؟

(سراسری خارج ۹۸)

«کنون که کشتی ما در میان موج فتاد

اگر چنانکه مجال شنا بود غم نیست»

(۱) مَفَاعِلُنْ فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

(۲) مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

(۳) مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

(۴) مَفَاعِلُنْ فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

۱۱۶- وزن واژه‌ی شعر زیر، کدام است؟

(سراسری خارج ۹۸)

«به چه خواهی بردن / در شبی این همه تاریک پناه»

(۱) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ

(۲) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ

(۳) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ

(۴) فَاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ

۱۱۷- کدام ابیات، دارای وزن (دُوری) شبیه به یکدیگرند؟

(سراسری خارج ۹۸)

(الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد

که آیی پی دلجویی بر خاک شهیدانت

(ب) ای بوستان خوبی خوارم ز بی‌نوایی

بگذار تا بچینم برگ‌ی ز بوستانت

(ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی

شیر که پای‌بند شد تن بدهد به روبهی

(د) وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها

بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها

(۱) ج - ب

(۲) ب - د

(۳) الف - ب

(۴) الف - د

۱۱۸- کدام بیت، در وزن «مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟

(سراسری خارج ۹۸)

(۱) دزدند خودپرسی و خودکامی

با این دو فرقه راه نپیماید

(۲) بسی سقف شد خراب و نگشت آسمان خراب

بس عمر شد تمام و نشد روز و شب تمام

(۳) خویشتن دیدن و از خود گفتن

صفت مردم کوتاه نظر است

(۴) همیشه بار جفا بردن و نیاسودن

همیشه رنج طلب کردن و نرنجیدن

۱۱۹- بحرهای «مُتَقَارِبُ، رَمَلٌ، رَجَزٌ و هَزَجٌ» به ترتیب، مربوط به کدام ابیات است؟

(سراسری خارج ۹۸)

(الف) نردبان این جهان ما و منی است

عاقبت این نردبان بشکستی است

(ب) مرا نه سر نه سامان آفریدند

پریشانم پریشان آفریدند

(ج) باز آی و بر چشم نشین ای داستان نازنین

که آشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود

(د) جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چه‌ای هر چه هستی تویی

(۱) ج، ب، د، الف

(۲) ج، ب، الف، د

(۳) د، الف، ج، ب

(۴) د، ب، ج، الف

۱۲۰- کدام بیت، در بحر «رَمَلٌ مُتَمَّنٌ مَحْذُوفٌ» است؟

(سراسری خارج ۹۸)

(۱) صوفی بیا که آینه صافی است جام را

تا بنگری صفای می‌لعل فام را

(۲) آن که جز کعبه مقامش نبود یاد لب

بر در می‌کده دیدم که مقیم افتاده است

(۳) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فرو شد

زانکه در راه غم جز اشک همراهی نباشد

(۴) مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست

تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

ادیت ۹/۱ ابیات منظم شوند تا تست ۹۰

۱۲۱- کدام بیت، وزن دُوری ندارد؟

(۱) خاقانی از ثنایت نو ساخت خوان معنی

کاو میزبان نطق است این دیگران عیالش

(۲) صدی که قدر کان شکند جوهر سخاش

بحری که نزل جان فکند پیکر سخاش

(۳) خانه‌ی مانی است طبع چهره‌گشای بهار

نایب عیسی است ماه رنگرز شاخسار

(۴) در کوی نیکنمایی ما را گذر ندادند

گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

## ۱۲۲- وزن کدام بیت ناهمسان است؟

- (۱) آن که هلاک من همی خواهد و من سلامتیش  
 (۲) لب برلبی چو چشم خروس ابلهی بود  
 (۳) خجل است سرو بستان بر قامت بلندش  
 (۴) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دوکار
- ۱۲۳- در کدام گزینه، خوشه‌های هجایی بیت «ای قبله‌ی جان کجات جویم / جانی و به جان هوات جویم» درست آمده است؟

- (۱) -- U - U - U U -- (۱)  
 (۲) --- U - U - U U --- (۲)  
 (۳) -- U - U - U --- (۳)  
 (۴) --- U U - U - U - (۴)

## ۱۲۴- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فاعِلُن» سروده نشده است؟

- (۱) تنها نه من به دانه خالت مقیدم  
 (۲) گر نشد اشتیاق او، غالب صبر و عقل من  
 (۳) ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر  
 (۴) از در درآمدی و من از خود به در شدم

## ۱۲۵- در کدام گزینه دو بار اختیار شاعری وزنی ابدال صورت گرفته است؟

- (۱) شبی به خواب زدم بوسه بر لبش به خیال  
 (۲) ز چاک پیرهن اندام نازکش مانند  
 (۳) بنوش باده که اندر طریقت عشق است  
 (۴) صبا ز روی تو گیرم نقاب بردار

## ۱۲۶- در کدام گزینه اختیارات شاعری وزنی به کار رفته است؟

- (۱) یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد  
 (۲) غافل است از صورت زیبای او  
 (۳) نبینی باغبان چون گل بکارد  
 (۴) سعدی نظر از رؤیت کوتاه نکند هرگز

## ۱۲۷- در بیت زیر کدام اختیارات شاعری تماماً وجود دارد؟

«امروز که دستگاه داری و توان

- (۱) حذف همزه - ابدال  
 (۲) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - ابدال  
 (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - حذف همزه  
 (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - تبدیل مصوت بلند به کوتاه

## ۱۲۸- در کدام گزینه، اختیارات وزنی به کار نرفته است؟

- (۱) آن چنان داده عشق جوش مرا  
 (۲) در خروشم ز شور چون دریا  
 (۳) اگر تو مرد رهی در طریق عشق رضی  
 (۴) بهار عشق دل از دیده مبتلا گردید

## ۱۲۹- در کدام مصراع اختیارات شاعری، «بلند تلفظ کردن هجای پایانی» و «حذف همزه»، «کوتاه تلفظ کردن مصوت

بلند» صورت گرفته است؟

- (۱) مخالفت نکنم آن کنم که فرمان است.  
 (۲) که چهل پیش خردمند عذر نادان است.  
 (۳) نه آبروی که گر خون دل بخواهی ریخت.  
 (۴) هزار سختی اگر بر من آید آسان است.

۱۳۰- در کدام مصراع اختیار وزنی قلب صورت گرفته است؟

- (۱) دل برگرفت از من بُتم یکبارگی  
(۲) زیرنشین علمت کاینات  
(۳) دست کسی بر نرسد به شاخ هویت تو  
(۴) برشوم از نشاط دل وقت سحر به منظره

۱۳۱- در کدام بیت اختیار وزنی ابدال به کار نرفته است؟

- (۱) ما در خطر افتادیم، از عشق چه گوئیم  
(۲) عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست  
(۳) هر چند مه ما را از ما خبری نیست  
(۴) بر تو بدلی نارم دیگر نکنم یاد  
کان جا دل و جان و تن ما را خطری نیست  
وصل لب تو در خور هر بی خبری نیست  
دل برده‌ای از ما دل ما را اثری نیست  
هرچند که آرام تو جز با دگری نیست

۱۳۲- در کدام بیت از همه‌ی اختیارات «تغییر کمیت مصوّت بلند به کوتاه و کوتاه به بلند، ابدال و اختیار وزنی پایان مصراع» استفاده شده است؟

- (۱) ساقیا می‌بده و غم مخور از دشمن و دوست  
(۲) رسم بدعه‌هدی ایّام چو دید ابر بهار  
(۳) گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد  
(۴) مرغ دل باز هوادار کمان‌ابرویی است  
که به کام دل ما آن بشد و این آمد  
گریه اش بر سمن و لاله و نسرين آمد  
ناله فریادرس عاشق مسکین آمد  
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

۱۳۳- در کدام دو بیت زیر ابدال وجود دارد؟

- (الف) تحفه فرستی ز شعر سوی عراق اینت جهل  
(ب) عنقا بر کرد سر، گفت کز این طایفه  
(ج) ماهم این هفته برون رفت وبه چشم سالی است  
(د) زلف پُرچین تو مشاطه شبی یاد نکرد  
هیچ کس از زیرکی زیره به کرمان برد  
دست یکی پُرحناست جَعَد یکی پُرخضاب  
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است  
که دو صد خون به دل محرم و بیگانه نکرد

- (۱) الف - د      (۲) ب - ج      (۳) الف - ج      (۴) ب - د

۱۳۴- در کدام بیت یکی از اختیارات شاعری زبانی و وزنی هر کدام دو بار تکرار شده اند؟

- (۱) بلبل با درخت گل گوید چیست در دلت  
(۲) تا گرفتم صنما وصل تو فرخنده به فال  
(۳) گل بخندید و باغ شد پدرام  
(۴) به جانت ای بت شیرین دهن که همچون شمع  
این دم در میان بنه نیست کسی تویی و ما  
جز به شادی نسپردم شب و روز و مه و سال  
ای خوشا این جهان بدین هنگام  
شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

۱۳۵- تعداد اختیار شاعری زبانی به کار رفته در بیت کدام گزینه همانند تعداد اختیار شاعری زبانی در بیت زیر است؟

«همه شب می‌پزم سودا به بوی نافه‌ی فردا»

- (۱) یا رب چه غمزه کرد صراحی که خون خم  
(۲) هزار بلبل دستان‌سرای عاشق را  
(۳) گلبن است آن یا تن نازکنهادش یا حریر  
(۴) بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن  
با نعره های قلقلش اندر گلو بیست  
بباید از تو سخن‌گفتن دری آموخت  
آهن است آن یا دل نامهربانش یا حجر  
به لعب زهره‌ی چنگی و مریخ سلحشورش

۱۳۶- از اختیار وزنی آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در یکی از مصراع‌های کدام گزینه استفاده نشده است؟

- (۱) دلم رمیده‌ی لولی‌وشی ست شورانگیز  
(۲) فدای پیرهن چاک ماهرویان باد  
(۳) پیاله بر کفنم بند تا سحرگه حشر  
(۴) خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد  
دروغ وعده و قتال وضع و رنگ‌آمیز  
هزار جامه‌ی تقوا و خرقه‌ی پرهیز  
به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز  
که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز

## ۱۳۷- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

- (۱) گرچه من این جا حدیث از سر جان می‌کنم  
 (۲) دور فلک بر دلم کرد ز جور آن چه کرد  
 (۳) عقل نه هم‌تای توست کز تو زند لاف عشق  
 (۴) به که ز بهر سخن برنگشاید زبان
- نزد تو آن جا سخن از سر و زر می‌رود  
 خوی تو نیز از جفا یاری او می‌کند  
 می‌نشناسد حریف خیره‌سری می‌کند  
 گر نتواند که مرد سخن به پایان برد

## ۱۳۸- اختیار وزنی «ابدال» در کدام گزینه به کار نرفته است؟

- (۱) روزی بس خرم است می‌گیر از بامداد  
 (۲) بنشین خورشیدوار، می‌خور جمشیدوار  
 (۳) مرغ دل‌انگیز گشت باد سمن‌بیز گشت  
 (۴) باغ پر از حجله شد، راغ پر از کله شد
- داد زمانه بده ایزد داد تو داد  
 فرخ و امیدوار، چون پسر کیقباد  
 بلبل شب‌خیز گشت، کبک گلو برگشاد  
 دشت پر از دجله شد، کوه پر از مشک ساد

## ۱۳۹- اختیارات شاعری زبانی ..... و اختیار وزنی ..... در شعر زیر دیده می‌شود.

«از تهی سرشار/ جویبار لحظه‌ها جاری است/ چون سبوی تشنه کاندر خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ»

- (۱) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - ابدال  
 (۲) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - فاعلاتن به جای فَعْلَاتُنْ در رکن اول  
 (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - بلند بودن هجای کشیده پایانی  
 (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - فاعلاتن به جای فَعْلَاتُنْ در رکن اول

## ۱۴۰- در کدام گزینه اختیارات شاعری تبدیل مصوت بلند به کوتاه دیده می‌شود؟

- (۱) تو دانی کاین سفر هرگز به سوی آسمان‌ها نیست / سوی بهرام، این جاوید خون‌آشام / سوی این‌ها و آن‌ها نیست  
 (۲) به سوی پهن‌دشت بی‌خداوندی است / که با هر جنبش نبضم / هزاران اخترش پژمرده و پرپر به خاک افتند ...  
 (۳) من این جا بس دلم تنگ است / و هر سازی که می‌بینم بدآهنگ است / بیا ره‌توشه برداریم ...  
 (۴) بیا ره‌توشه برداریم / قدم در راه بگذاریم / کجا؟ هر جا که پیش آید / .....

## ۱۴۱- وزن کدام شعر نیمایی با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) پوستینی ژنده دارم من / یادگاری ژنده‌پیر از روزگارانی غبارآلود / سالخوردی جاودان مانند  
 (۲) تا کدامین را تو می‌خواهی / زین درختستان بار و برگ / مرگ را جستن برای زندگی یا آنک / زندگی کردن برای مرگ  
 (۳) باغ ما در طرف سایه دانایی بود / باغ ما جای گره‌خوردن احساس و گیاه / باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آینه بود  
 (۴) خانه خالی بود و خوان بی‌آب و نان / و آن چه بود آس دهن‌سوزی نبود / این شب است آری شبی بس هولناک

## ۱۴۲- کدام بیت در بحر مُتَقَارِبِ مُتَمَّنّ مَحذوف سروده شده است؟

- (۱) گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی  
 (۲) به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد  
 (۳) از نظرت کجا رود و برود تو هم‌رهی  
 (۴) مگردان سر از دین و از راستی
- شکنجه صبر ندارم بریز خونم و رستی  
 تو را در این سخن انکار کار ما نرسد  
 رفت و رها نمی‌کنی آمد و ره نمی‌دهی  
 که خشم خدا آورد کاستی

## ۱۴۳- کدام بیت در بحر مُتَقَارِبِ مُتَمَّنّ سالم سروده شده است؟

- (۱) چو کارآگه‌هان کار بایست کردن  
 (۲) خردمند مردم، هنرپرور نند  
 (۳) قناعت توانگر کند مرد را  
 (۴) چرا پیش خسرو به خواهش روی
- چه رسم و رهی بهتر از کاردانی؟  
 که تن‌پروران از هنر لاغرند  
 خبر کن حریص جهان‌گرد را  
 چو یک سو نهادی طمع، خسروی



۱۴۴- نام وزن بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«برآند خودبینی و جهل و عجب که عیب تو را از تو پنهان کنند»

- (۱) مُتْقَارِبِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ  
(۲) هَزَجِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ  
(۳) هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ  
(۴) مُتْقَارِبِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ

۱۴۵- نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«چون می روی بی من مرو، ای جان جان بی تن مرو و ز چشم من بیرون مشو، ای شعله تابان من»

- (۱) رَمَلِ مُثَمَّنِ سالم  
(۲) رَجَزِ مُثَمَّنِ سالم  
(۳) هَزَجِ مُثَمَّنِ سالم  
(۴) مُتْقَارِبِ مُثَمَّنِ سالم

۱۴۶- نام وزن کدام بیت «رَمَلِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ» است؟

- (۱) نیک خواهانم نصیحت می کنند  
(۲) عیب یاران و دوستان هنر است  
(۳) هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است  
(۴) دیده و از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است

۱۴۷- همه بیت ها در بحر «هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ» سروده شده است، به جز گزینه .....  
خشت بر دریا زدن بی حاصل است  
سخن دشمنان نه معتبر است  
عشق بازی دگر و نفس پرستی دگر است  
هر که ما را این نصیحت می کند بی حاصل است

- (۱) الا ای کاروان محمل برانید  
(۲) دلم از مهر در ماتم نشسته است  
(۳) چه باشد گر نگارینم بگیرد دست من فردا  
(۴) قرار زندگانی آن نگار است  
که ما را بند بر پای رحیل است  
عجب در مهر دل دلدار چون است  
ز روزن سر در آویزد چو قرص ماه خوش سیما  
کز او آن بی قراری برقرار است

۱۴۸- نام وزن کدام بیت «رَمَلِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ» است؟

- (۱) شوق را بر صبر قوت غالب است  
(۲) عاشقی می گفت و خوش خوش می گریست  
(۳) بذل جاه و مال و ترک نام و ننگ  
(۴) پیش از این من دعوی پرهیزگاری کردمی  
عقل را با عشق دعوی باطل است  
جان بیاساید که جانان قاتل است  
در طریق عشق اول منزل است  
باز می گویم که هر دعوی که کردم باطل است

۱۴۹- در همه ی گزینه ها به جز گزینه ی ..... حروف مشترک قافیه از «مصوت بلند+صامت+مصوت» تشکیل شده است.

- (۱) هر روز دلم به زیر باری دگر است  
(۲) کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش  
(۳) که روزی رهروی در سرزمینی  
(۴) ای قصه ی بهشت ز کویت حکایتی  
در دیده ی من ز هجر خاری دگر است  
معاشر دلبری شیرین و ساقی گل عذاری خوش  
به لطفش گفت رندی ره نشینی  
شرح جمال حور ز رویت روایتی

۱۵۰- هر دو مورد کدام گزینه نادرست هستند؟

- (الف) بدین افسوس می خورم دریغی/ زدم بر خویشتن چون شمع تیغی (قافیه، از نوع قاعده «ا» است).  
(ب) شکر لفظان لبش را نوش خوانند/ ولیعهد مهین بانوش دانند (بیت ذوقافیتین است).  
(ج) ای یوسف خوشنام ما خوش می روی بر بام ما (مصراع قافیه ی درونی دارد).  
(د) قافیه در شعر نو همانند شعر کهن محدودیت هایی دارد.

(۴) ب - ج

(۳) الف - ج

(۲) ب - د

(۱) الف - د



## ۱۵۱- نوع قاعده‌ی قافیه در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ..... یکسان است.

- (۱) ساقی به نور باده بر افروز جام ما  
 (۲) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست  
 (۳) شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست  
 (۴) ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما  
 مطرب بگو که کار جهان شد به کار ما  
 سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست  
 صلاهی سرخوشی‌ای صوفیان باده‌پرست  
 آب روی خوبی از چاه زنخندان شما

## ۱۵۲- تعداد حروف مشترک قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
 (۲) کار همه محبتان همچون زر است امشب  
 (۳) آن نفسی که با خودی یار چو خار آیدت  
 (۴) قبله امروز چو شه‌نشه نیست  
 خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس  
 جان همه حسودان کور و کر است امشب  
 وان نفسی که بیخودی یار چه کار آیدت؟  
 هر که آید به در بگو ره نیست

## ۱۵۳- کدام یک از ابیات زیر «ذوقافیتین» است؟

- (۱) مبادا که تاج از تو گریان شود  
 (۲) بگفت این و چادر به سر در کشید  
 (۳) تو کردار خوب از توانا شناس  
 (۴) چنان رو که پرسند پاسخ کنی  
 دل انجمن بر تو بریان شود  
 یکی باد سرد از جگر بر کشید  
 خرد نیز نزدیک دانا شناس  
 به پاسخ گری روز فرخ کنی

## ۱۵۴- قاعده‌ی قافیه در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... یکسان است.

- (۱) خطت که درد و داغ تو نو می‌کند مرا  
 (۲) شرع احمد نیست این منزل مرو  
 (۳) آن خال سیه از بر آن نرگس جادو  
 (۴) چو می خوردی ز خود بیرون مشو تو  
 جان در بلای عشق گرو می‌کند مرا  
 گر چه دارد او هزاران راهرو  
 چون نافه مشک است جدا گشته ز آهو  
 مر این اسرار کل نیکو شنو تو

## ۱۵۵- بیت کدام گزینه ذوقافیتین است؟

- (۱) خرامان بشد سوی آب روان  
 (۲) ولیکن روانم ز تو سیر نیست  
 (۳) مکن روز بر خویشتن بر بنفش  
 (۴) مرا هر چه ملک و سپاهست و گنج  
 چونان چون شده بازجوید روان  
 دلم چون دل تو به کفشیر نیست  
 به بازیچه پنجه مزن بر درفش  
 همی زان توست و تو را زوست خنج

## ۱۵۶- قاعده‌ی قافیه در همه گزینه‌ها براساس قاعده‌ی « ۲ » است به جز:

- (۱) زهی عشق زهی عشق که ما راست خدایا!  
 (۲) من با تو حدیث بی‌زبان می‌گویم  
 (۳) ای یار ما دلدار ما ای عالم اسرار ما  
 (۴) دل من دل من دل من بر تو  
 چه نغز است و چه خوب است و چه زیباست خدایا!  
 وز جمله حاضران عیان می‌گویم  
 ای یوسف دیدار ما ای رونق بازار ما  
 رخ تو رخ تو رخ با فر تو

## ۱۵۷- وزن کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) روزی از آن جا که فراغی رسید  
 (۲) برزگر آن دانه که می‌پرورد  
 (۳) تا نمودی عارض چون لاله‌ام  
 (۴) راهروی را که امان می‌دهند  
 باد سلیمان به چراغی رسید  
 آید روزی که از او بر خورد  
 همچو بلبل با خروش و ناله‌ام  
 در عدم از دور نشان می‌دهند

## ۱۵۸- مصراع «کشیدم در بَرَت ناگاه و شد در تاب گیسویت» با کدام گزینه هم‌وزن است؟

- (۱) دارم از لطفِ ازل جَنّت فردوس طمع  
 (۲) بدین شکرانه می‌بوسم لب جان  
 (۳) که بر خاکم روان گردی، بگیرد دامت گردم  
 (۴) که کرد آگه ز راز روزگارم

## ۱۵۹- وزن همه ابیات به جز بیت گزینه ..... «ذُوری متناوب» است.

- (۱) نسیم عشق ز کوی هوس نمی‌آید  
 (۲) دل من ز تابناکی به شراب ناب ماند  
 (۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین تن من  
 (۴) ای که پس از هلاک من پای نهی به خاک من

## ۱۶۰- وزن همه بیت ها، به غیر از بیت ..... «ذُوری» است.

- (۱) فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان  
 (۲) مرغ دلم طایری است، قدسی عرش آسمان  
 (۳) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن  
 (۴) می‌سوزم از فراق‌ت روی از جفا بگردان

## ۱۶۱- کدام بیت در وزن «ذُوری» سروده نشده است؟

- (۱) ای که خدنگ شست تو کرده نشان دل مرا  
 (۲) سنبلت ای گل‌گذار بر سر نسرین گذار  
 (۳) نه از جمال تو قطع نظر توان کردن  
 (۴) هیچ از تو حاصل نیست دردا که عین خار است

## ۱۶۲- وزن کدام گزینه از تکرار «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ» پدید آمده است؟

- (۱) گل بر رخ رنگین تو تا لطفِ عرق دید  
 (۲) هر کس به تماشایی رفتند به صحرائی  
 (۳) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم  
 (۴) شبی دل را به تاریکی ز زلفت باز می‌جستم

## ۱۶۳- کدام گزینه دربارهٔ سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی نادرست است؟

- (۱) منظور از عاطفه، حالتی روحی-روانی است که شاعر رویداد حادثه‌ای را در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس، همراه سازد.  
 (۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است. بدون وزن کمتر می‌توان عواطف را برانگیخت.  
 (۳) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود. تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دل‌نشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.  
 (۴) وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. وزن امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد، وجود ندارد؛ وسیلهٔ ادراک وزن، حواس ماست.

## ۱۶۴- در بیت کدام گزینه، شاعر، از وزنی ضربی برای بیان محتوایی تعلیمی بهره برده است؟

- (۱) تحمّل چو زهرت نماید نخست  
 (۲) بدان تیز زهر آبگون خنجرش  
 (۳) ز تنگی چنان شد که چاره نماند  
 (۴) سواری چون من پای بر زین نگاشت
- ولی شهید گردد چو در طبع رست  
 همی کرد چاک آن کیانی برش  
 سپه را همی پود و تاره نماند  
 کسی تیغ و گرز مرا برنداشت

۱۶۵- بیت کدام گزینه، از نظر آهنگ و موسیقی (وزن) حالت شادی و نشاط درونی را منتقل می‌کند؟

- (۱) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست  
 (۲) ای بر درت خیل و حشم بیرون خرام ای محتشم  
 (۳) من چو از تیر توأم بال و پری بخش مرا  
 (۴) به خوشی بنواز و به خوبی ببخش

۱۶۶- کدام گزینه برای جاهای خالی مناسب است؟

«اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، ..... است و ..... و ..... ، به انتقال بهتر آن کمک می‌کند.»

- (۱) عاطفه - ادراک وزن و احساس  
 (۲) موسیقی - ادراک وزن و آهنگ  
 (۳) موسیقی - وزن و آهنگ  
 (۴) عاطفه - وزن و آهنگ

۱۶۷- وزن و لحن کدام بیت، حالت شادی و نشاط درونی را به خواننده منتقل نمی‌کند؟

- (۱) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن‌کشان  
 (۲) در دو جهان لطیف و خوش همچو امیر ما کجا  
 (۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
 (۴) ای نفس خرم باد صبا

۱۶۸- تقطیع هجایی کدام گزینه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

- (۱) من و دل گر فدا شویم چه باک  
 (۲) خوش تقاضا می‌کنی  
 (۳) مرده بدم زنده شدم  
 (۴) طبر کرم ز کس نسبت

۱۶۹- تقطیع هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) ای یوسف آخر سوی این یعقوب نابینا بیا:  
 (۲) ببین عذرا و وامق را در آن آتش خلائق را:  
 (۳) برو ای غصه دمی زحمت خود کوتاه کن:  
 (۴) چو کوری که در کف عصایی ندارد:

۱۷۰- تقطیع هجایی کدام مصراع نادرست آمده است؟

(۱) چون قلم از ما همین گفتار می‌ماند به جا

چُن	قَ	لَم	أَز	مَآ	ةَ	مِیْن	كُفِّ	تَا	رَ	مِی	مَآ	نَدَ	بِ	جَا
-----	----	-----	-----	-----	----	-------	-------	-----	----	-----	-----	------	----	-----

(۲) به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت

بِ	طَا	عَت	قُر	بِ	اِی	زَدَ	مِی	تَ	وَان	یَافَت
----	-----	-----	-----	----	-----	------	-----	----	------	--------

(۳) با عقل گشتم هم‌سفر یک کوچه راه از بی‌کسی

بَا	عَق	لَ	گَش	تَم	هَم	سَ	فَر	یَک	کُو	چَ	رَا	هَزَ	بِی	کَسِی
-----	-----	----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	----	-----	------	-----	-------

(۴) تو در جنگ آبی روم من به صلح

تُ	دَر	جَن	گَ	آ	یِی	رَ	وَمَ	مَن	بِ	صَلَح
----	-----	-----	----	---	-----	----	------	-----	----	-------

## ۱۷۱- تعداد هجاهای کشیده در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) مقام عیش میسر نمی‌شود بی رنج  
 (۲) خصم را عقل مقید به تحمل دارد  
 (۳) تا کی ز فراق دوست فریاد کنم  
 (۴) گر تو مرد راه عشقی عشق را کن اختیار
- بلی به حکم بلا بسته‌اند عهدِ الست  
 سیل را ریگ مسخر به تنزل دارد  
 در فرقت دوست صبر نتوانم کرد  
 نور عرفان در کجا، چون درد عالم‌سوز نیست

## ۱۷۲- وزن و آهنگ کدام بیت برای بیان حماسی شعر مناسب است؟

- (۱) چند زنی تیر به هر گوشه‌ای  
 (۲) فرستاده آمد به کردار گرد  
 (۳) ذره‌ای کان محو شد در آفتاب  
 (۴) ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟
- غافل از توشه بی‌توشه‌ای  
 شنیده سخن‌ها همه یاد کرد  
 جنگ او بیرون شد از وصف و حساب  
 یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

## ۱۷۳- هر دو مصراع کدام گزینه، کاملاً به شکل یکسان تقطیع می‌شوند؟

- (الف) آن چنان فرخ شبی دیگر نمی‌بینم به خواب  
 (ب) چون کلیدش را شکستی از که باشد فتح بابت  
 (پ) گفتم که بنما نردبان تا بر روم بر آسمان  
 (ت) طفل بازگوش آرام از معلم می‌برد  
 (ث) به از صبحی تو خلقان را به هر روز
- (۱) الف، ت (۲) پ، ث (۳) ب، پ (۴) الف، ث

## ۱۷۴- کدام گزینه با الگوی هجایی «U - - U - - U - - U - -» مطابقت ندارد؟

- (۱) رفیقان چنان عهد صحبت شکستند  
 (۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی  
 (۳) بسی پادشاهی کنم در گدایی  
 (۴) مکش رنج بیهوده خرسند باش

## ۱۷۵- تقطیع هجایی مقابل کدام مصراع با آن همخوان نیست؟

- (۱) ایمن از سیلی موج است کناری که مراست:  
 (۲) چشم اگر بر منعم افتد هیچ نعمت سهل نیست:  
 (۳) از آفتاب تجربه سنگ آب می‌شود:  
 (۴) هم سیاهی و هم سپیدی چشم:
- U U - - U U - - U - - - U -  
 - U - - U U - - U - - - U -  
 - U U U - - U - - U - U - -  
 - U U - U - U - - U -

## ۱۷۶- علامت هجاهای هر مصراع کدام بیت به شکل زیر است؟ (U - U - U - U - U - U - U)

- (۱) دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند  
 (۲) نه هر که سر بتراشد قلندری داند  
 (۳) نسیم خلد می‌وزد مگر ز جویبارها  
 (۴) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
- پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند  
 کلاه‌داری و آیین سروری دانند  
 که بوی مشک می‌دهد هوای مرغزارها  
 غالباً این قدم عقل و کفایت باشد

## ۱۷۷- در کدام دو گزینه وزن مشترک دیده می‌شود؟

- (الف) رام را گر برگ گل باشد نبیند ویس را  
 (ب) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را  
 (ج) آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد  
 (د) گر از جور جانان ننالی رواست  
 (ه) هیچ میدانی چرا اشکم ز چشم افتاده است
- (۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) د - ب (۴) ه - الف

۱۷۸- واژه‌های کدام گزینه به ترتیب با کلمات «رحمت، گناه، عشق، اصنام» هم‌وزن هستند؟

- (۱) سرمست، سپاه، مشق، احترام  
(۲) هستی، هزار، دست، دلدار  
(۳) عصمت، نگاه، صادق، اعزام  
(۴) هیبت، همراه، صدق، دیدار

۱۷۹- هنگام خواندن بیت کدام گزینه، حذف همزه بیشتر صورت گرفته است؟

- (۱) امشب سبک‌تر می‌زنند این طبل بی‌هنگام را  
(۲) سعدی علم شد در جهان صوفی و عامی کو بدان  
(۳) گر پای بر فرقم نهی تشریف قربت می‌دهی  
(۴) دلبندم آن پیمان گسل منظور چشم آرام دل  
یا وقت بیداری غلط بوده است مرغ بام را  
ما بت‌پرستی می‌کنیم آن‌که چنین اصنام را  
جز سر نمی‌دانم نهادن عذر این اقدام را  
نی نی دلارامش مخوان کز دل برد آرام را

۱۸۰- تقطیع هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U : ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی:  
(۲) \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ : زنجیر زلفش هر طرف دیوانه‌وارم می‌کشد:  
(۳) \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U \_ : گر چه من خود ز عدم خرم و خندان زادم:  
(۴) \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ : چو کوری که در کف عصایی ندارد:

۱۸۱- تعداد هجاهای کشیده شده کدام مصراع متفاوت است؟

- (۱) امروز چه روز است بگو روز سعادت  
(۲) که گه زین موج بر اوجم گهی زان اوج در پستم  
(۳) شد خارها گلزارها از عشق رویت بارها  
(۴) که رخ چو آفتابش بکشد چراغ‌ها را

۱۸۲- تقطیع هجایی بیت زیر کدام است؟

- «به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن  
که شبی نخفته باشی به درازنای سالی»  
(۱) \_ U \_ U U \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U \_  
(۲) \_ \_ U \_ U \_ U U \_ \_ U \_ U \_ U U  
(۳) \_ \_ U \_ U \_ U U \_ U \_ U \_ \_ U \_  
(۴) U \_ U \_ U \_ U U \_ \_ U \_ U \_ U U

برای دریافت پاس‌خنامه به کانال تلگرام مراجعه نمایید و عبارت # احمدی\_پاس‌خنامه\_جزوه\_عروض\_نسخه\_یک را جستجو کنید.

Telegram Channel: @adabiyat\_ahmadi